

هو الفتح العليم بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على اشرف الانبياء
 والمرسلين وعلى وصيه على بن ابي طالب والائمة من ذريته اجمعين
 وبعد ابن خايط وعاصي الموسوم به محمد بن علي الكبر عطار تبريزي
 بعد از فراغت كتاب كنجينه عطار وكتكول عطارى وكتاب شرح
 جنة الواقية مرحوم ميرداماد عليه الرحمه خواستم بحول وقوة الهى
 جلّت عظمتة وتوجهات ائمة اطهار عليهم السلام براى اشخاص
 صاحب ذوق و صفاء در رشته علم شريف جفر آنچه از كتاب
 هاى خطى قديم مطالعه واستفاد كرديده به طبق اخلاص
 جهة طالبان اين طريق تقديم اخوان الصفاء كردد و اگر خطائى
 و يا سهوى و يا اشتباهى مشاهده كردد عفو و اغماض فرمايند
 و در مواقع مخصوص از دعاى خير و طلب مغفرت مضائقه نمائيد
 من الله التوفيق و عليه التكلان بتاريخ پيرسمنت و كثير البركات
 هجدهم شهر ذى الحجة الحرام هزار و سصد و نود و نه هجرى قمرى
 عيد الامياد غدير خم مولاي متقيان على بن ابي طالب عليه السلام
 (سنه ۱۳۹۹)

ا	ب	پ	ت	ث	ج	ح	خ	د	ذ	ر	ز	س	ص	ض	ط	ظ	ع	غ	ف	ق	ک	گ	ن	ی	ا	ب	پ	ت	ث	ج	ح	خ	د	ذ	ر	ز	س	ص	ض	ط	ظ	ع	غ	ف	ق	ک	گ	ن	ی
---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---

(اجواب) حسنی در جنک زخم خورده است

طریقه در علم جعفر : تمام علماء این فن را از جاهل و نااهل پوشیده داشته اند
ولی کاتب الحروف دیدم من هم پوشیده نگذازم صحیح نیست بلکه اشاره در این قاعد داده
شود تا قاریین در حد کمال خودشان استفاده از این بهره ببرند
سؤال فوق - احوال حسنی در جنک سیال کون چگونه بود
اج و اوال حسنی در حروف کون الی آن وقت که در کون و نوبت و در
جمع اعد علی الحروف کون نقاط اول حروف ملفوظی اینست

والحروف کون الی نوال فلام ای ا - حروف کون و اللام

حضرت امیر المومنین علی بن ابی طالب شمس المشارق والمغرب
اسد الله العالی مطلوب کل طالب و مظهر العجایب علیه السلام
میفرماید که عامل این علم را لازم است که همیشه با وضو باشد و از
کلام کذب و نخس زبان خود را نگاه دارد تا از این علم نفع یابد و هر
صفحه کتاب که از جعفر جامع امتزاج کند اگر صفحات کتاب مدوح در هر
خانه که باشد پس اهل آن خانه از مرک معاجات و طاعون و بلای
آسمانی محفوظ خواهد ماند و در آن خانه دزدی نخواهد شد و صاحب
آن خانه صاحب عزت و موقر بود و در هر خانه که این کتاب باشد آن شخص
همیشه بر مطالب دلی خود خواهد رسید و هر کسی این کتاب را در نزد خود
بگذارد آن شخص برادر خواهد رسید و این از محرکات است و هیچ غمگی
و شهید ندارد و هر کسی که از جعفر جامع را بنویسد و کتاب درست
کرده در خانه خود نگاه دارد هرگز زوال و لغت و بد دولت و خست آن
خانه نرسد و هر که مطالعه صفحات کتاب جعفر جامع را هر روز کند ملازمت
او در خدمت حضرت صاحب الزمان علیه و آله الطاهرین خواهد
شد و ائمه معصومین و اولیاء الله همیشه هر روز مطالعه این کتاب را میکردند
و هر که برای هر امری هر روز مطالعه این کتاب کند از اول ورق تا آخر ورق
بعد از نماز فجر و این اسم را هر روز با چهل روز بخواند و نظر خود را بر او قرار
افتند پس چهار روز تمام شده مطلب او بر آید از پرده غیب و آن اسم اینست
یا رَحْمَنُ کُلِّ شَیْءٍ ذَرَاهِجَةٌ وَ ذَرَاهِقَةٌ یا رَحْمَنُ

علماء جفر جواب در آن جفر جامع استخراج میکنند و آنرا جفر کبیر میگویند و هر که صاحب فهم است آنرا خوب خواهد فهمید بعضی از اساتید میفرمایند که استخراج آن جفر جامع تحریر کردن ابجد یعنی آنرد و چهار ابجد است از ۲۸ حروف ۲۸ جزوی و حروف ابجد مقرر کرده اند و هر حرفی از یک جزوی منسوبست و هر جزو او ۲۸ صفحه است و در هر صفحه ۲۸ سطر و در هر سطر ۲۸ خانه است و در هر خانه چهار حروف دارد و تمام صفحات ۲۸۴ خانه حروف دارد و تمام صفحات ۲۸۴ خانه حرف دارد و تقسیم آن جزو بر سیصد سیاره است و هر سیاره از هر اقلی تعلق دارد و از قیاس یک جزو یک اقلیم و هر صفحه یک شهر و هر یک سطر یک محله است و هر خانه یک مکانی است و در صفحه اول خانه اول جفر جامع ۴ الف میباشد باین ترتیب [۱۱۱۱] و خانه دوم از سطر اول جزو اول در صفحه اول سه الف یک ب میباشد باین ترتیب [۱۱۱] و خانه سوم از سطر اول جزو اول سه الف و یک جیم میباشد [۱۱۱ ج] و خانه چهارم از سطر اول جزو اول سه الف یک دال میباشد [۱۱۱ د] و پس علیهذا تا آخر خانه چهارم عین دارد باین نحو [غ غ غ غ] و اگر بخواهد که تمام جفر جامع را بنویسد با احتیاط تمام بنویسد که در هر حرف غلطی نباشد و اگر یک حرفی از حروف غلط باشد تمام غلط میباشد

و این علم تمام نخواهد شد مگر بحضور قلب و متوجه تمام بنویسد و دل خود را پریشان نکند و طریق نوشتن اینست که حرف اول علامت جزو ۱ علامت جزو ۲ علامت جزو ۳ علامت جزو ۴ علامت خانه است و در استخراج مطلب جزئی و کلی - حضرت امیر المومنین علیه السلام میفرماید که احوال را استخراج کند و معلوم کند و به بنید که در هر صفحه که احوال ماضی باشد - حرف اول ملفوظی و مکتوبی و مسروری آنرا علیحد جدا جدا بنویسد واضح باد که ملفوظی بر سه قسم است حرف اول ملفوظی ۳۴ حرف است قسم دوم مکتوبی ۳۴ حرف است و مسروری ۳۴ حرف است (ملفوظی) الف - جم - دال - کاف لام - سین - عین - صاد - قاف - شین - ذال - ضاد - عین (مسروری) یا تا نا خا خا دا از ا طا ظا فاها ما حروف اول ملفوظی را از بر میگویند و باقی را بیته و مکتوبی نیز بر همین قسم است و در مسروری یک حرف اول ذبر است و دومی بیته - و حروف هر سه قسم جدا جدا نماید یعنی ملفوظی جدا مکتوبی جدا مسروری جدا بنویسد و برابر او مکتوبی و مسروری نوشته یک سطر استخراج کند بعد اعراب دهد عبادت ماضی معلوم خواهد شد و در هر -

سطری از جفر جامع اسم سائل باشد از آن خانه که در سطر اول است آن احوال ماضی است و در هر سطر که نام باشد آن احوال حال است و سطر یک زیر خانه است آن احوال استقبال است
 طریقه دوم استخراج اینست که تمام اعداد سؤال سائل را جمع کند و از آن حروف بنا کند و چهار درجه حاصل کند اول درجه اول اعداد دوم درجه عشرات سوم درجه حات چهارم درجه الف و از این چهار حروف بنا کند صفحه جفر جامع معلوم خواهد شد - و بعضی از استادان سیفر ما بیند که سؤال سائل را اول تمام کند یعنی تکبیر صدر و مآخر تا تمام حاصل آید بعد از این تمام حروف ملفوظی و مکتوبی و مسرورگی جدا جدا بنویسد استخراج دهد هشت صفحه حاصل شود بعد اعدادش را جمع کند و اعداد اسم الله ۶۶ است ضرب کند بعد حاصل ضرب را نصف نماید و آن قدر یک عدد باقی ماند آن اعداد را برای اعداد بسم الله الرحمن الرحیم ۷۸۶ است تقسیم کند و هر چه باقی ماند آنرا با اعداد صفحه سائل جمع کند و حاصل جمع را در صفات جفر جامع را عددی طولاً از

اول تا خانه هشتم بنویسد و فکر کنید اگر اعداد هر دو خانه و اعداد مجموع مساوی باشند اعداد تمام سطر این خانه حاصل کرده صفحه جفر جامع کامل کند و شمار عدد آنرا این اعداد را خانه تقسیم کند و بر هر خانه که منتهی شود آنرا جدا بنویسد و همین طور باعتبار هر یک صفحه جدا بنویسد و از ترکیب این صفحه چهار حروف برای هر خانه تا هشت صفحه ترتیب بنویسد تا اینکه طرح ۲۱ عدد تمام شود و از حروف حاصل ۴ قسم برابر کند و هر یک قسمی باین ترتیب که بیان کردیم حروف جدا جدا بنویسد مثلاً حروف قسم اول را طرح ۷۷ کند بعد طرح ۶۶ کند بعد طرح ۵۵ کند بعد طرح ۴۴ کند از اول تا آخر همینطور طرح کند و هر چه از طرفی باقی ماند در آخر او را بنویسد یک سطر حاصل شود او را بنویسد مگر قسم اول و سیم حروف را که بحال خود بگذارد و حروف قسم دوم را و چهار حراف طرح ۷۷ کند باز طرح ۳۳ کند ۱۱۲ حرف استخراج خواهد شد بعد جمع حروف آنها را بیارد بعد تکبیر و صدر مآخر کند بحکم خداوند جواب موافق مطلب حاصل خواهد شد نظماً ما نثرأ - والسلام محمد عطار

(در علم جفر)

سؤال از جفر جامع گرنمائی بکن مستحصله بهر خود آسان
 ترفع یا ترقی یا تنزل مساواتت کند با اهل عرفان
 بقسمت چهار کن هر حرف خود را بجای خود گذار از بهر در مان
 تو بدو ح یلین داده ترفع بحصر تخضع ترقی ده دو چندن
 تنزل ظ ذ ث شغفس مساوات اجهر ظلم داخل آن
 اول سؤال را مقطع بنویسد و جمع کند عدد او را بکیسطر
 بنویسد عدد وسط مجموعی را بگیرد و در پهلوی عدد جمع
 اصل بنویسد بعد تعداد حروف با عدد تقاط بنویسد ملقب
 آن عدد حروف علیحده بنویسد بعد حروف استخراج نماید بعد
 صدر موخر نماید نظیره کواکب دهد نظیره بدو ح دهد بعد حروفات
 را بملطوب دهد جواب بیرون آید - و در این امر وقت بسیار
 باید نمود که اشتباه نشود چون اکثر حروف را اگر اشتباه شود تمام
 آن سؤال الی آخر غلط میشود (سؤال)
 ام روز دوشنبه اسم اع ی لب س ر هادی درخ ان ه
 م سی ح خ ا ه د ا م دی ان ه
 امروز دوشنبه اسماعیل پسر هادی در خانه مسیح خواهد آمد یا نه

(در علم جبر)

عدد اصل ۲۱۱۷ و سیط مجموعی ۱۶۴ حروف ۴۵ تقاط ۹
 برای اض ادغ ی ن دال س ی ن ق ا ف ه ا م ی م ط ا ی ا
 صدر موخر ان ی ا ا ی ط ض م ای دم ب ا ه غ ف ی ا ن ق د ن ا
 ی ل س نظیره کواکب ایقع ن ک ث ن ن ت م و ط ن ث ض
 ط خ ن ن ط س ش ث ن ا ه ض ا ن ث ج غ نظیره بدو ح اجش
 ج د ا ج ج اک ط ف ج ا ن ه ج ج س ط ت ا ج ث خ ف ز ج ا و ع
 مطلوب ا د ج ب ی د ب ک ک ض د ب ص ج و د د ع غ ش ب
 د خ ث ص خ د ب ه س ج ر ا ب دوش ن ب ه ا س م ا ع ل ب
 س ر ه ا دی ب ه خ ا ن ه م س ی ح خ ا ه د ا م د
 دوشنبه اسماعیل پسر هادی به خانه مسیح خواهد آمد
 نظیره ایقع (ای ق غ ب ک ر) ج ل ش د م ت ه
 ن ث و س خ ن ع (ذ ح ف ض ط ص ظ

دایره اجش ا ح ج ش دل ه ط س ع ق ت س ب
 ب و ن ت ک ل م خ ذ ص غ ر ص ن ی
 طاب مطلوب هر حرف و قرینید

ا	ج	ه	ذ	ط	ک	م	ل	ف	ق	ش	ث	ذ	ظ
ب	د	و	ح	ی	ل	ن	ع	ص	ر	ت	خ	ض	غ

قاعدو دوم

تا عده دُوم که علای کامل جواب و سؤال سائل را مطابق
 سؤال حاصل میکنند حروف هر سه قسم را یعنی ملفوظی و مکتوبی
 و سروری را استخراج دهد و صدر ماخر کرده جواب حاصل میکند
 بیان استخراج جفر جامع از حضرت امیر موفان علیه السلام منقول
 است که احوال سائل را در یافت کند فرموده اند که اسم سائل
 در هر صفحه که معلوم شود از سطر اول آن صفحه تا نام سائل آن
 زمان ماضی است و در سطر یک اسم سائل است آن زمان
 حال است و آنچه بعد از این سطر است آن زمان استقبال
 است و اگر بخواید که احوال تمام استقبال و حال سائل در
 یافت کند آن سطرها نیکه برای استقبالند خانه او تا در آنرا
 بشمارد و هر یک خانه چهار و چهار حروف استخراج کرده هم در
 جمع کند و زُبر بیئات را جدا کند بعد از این حروف ملفوظ
 را جدا کند و مکتوبی و سروری نیز جدا کرد و استخراج دهد
 اول یک حرف ملفوظی بنویسد دوم مکتوبی سوم سروری
 بنویسد این قسم تمام حروف را یک سطر بنویسد بعد از آن

سطر را در صدر مؤخرات گردش دهد و قتی که تمام در
 آید در سطورات تکسیرات نظر کند اگر جواب بیسائل در آید
 بهتر و الا جواب نیافت پس در سطورات دقیقاً و کاملاً
 منسوباً و مقلوباً و عرض و طول و عمق و قطر نظر کند تمام
 احوال آینده گویا خواهد شد و اگر بار هم گویا شد سطر
 او را جدا بنویسد و بر اربعه عناصر حروف گردش دهد
 و استخراج دهد اول آتشی بعد حرف بادی بعد آبی بعد
 حروف خاکي همینطور این چهار حروف را جدا استخراج داده
 جدا کند مرتباً منسوب و مقلوب کند تمام احوال گویا خواهد
 شد - مثال عناصر اربعه مثلاً ط آتشی ری بادی و ك
 آبی و ل خاکی بجمع ط ی ك ل میشود این چهار حروف را منسوب
 و مقلوب کردیم ط یكل لکیط یكطل لطیل کیطل و طک لطکی
 شد همین طرح ۴۴ - و طریقه دوم اینست

که اول سطر را بغیر امتزاج داده ۴۴ حروف جدا کند و بنویسد
 و هر چهار قطعه را مقدم و مؤخر کند و اعراب عنصری دهد مطلب
 معلوم خواهد شد ————— طریقه سوم اینست که چهار حروف
 را جدا بنویسد و اعداد جمله کبیر استخراج کرده حروف از اعداد
 پیدا کند و از آن حروف یک سطر بنویسد صدر و مؤخر کند کل احوال
 سائل دریافت خواهد شد آن چهار حروف اینها هستند ط و ی و ا
 ک و ل و م جمله عدد (۶۹) شد از این لفظ سطر طس بنا کردیم
 این چهار حروف را زبریتیه کرده امتزاج دهد ط ای اک اف ل ام ج ی
 ف ق ب جوع (۱۹۳) ج ص ق ت ل ا ه و تسعین بعد المائه مقطع ث ل ا ث م
 ث س ع ی ن م ا ت ۹ - این همه تخلیس کردیم ث ل ا ه و ت س ع ی
 ن م - شد (باب سوم)

در استخراج جواب و سوال اگر بخواهد که حال کسی را دریافت
 کند سوال سائل را در بسط مسلم بنویسد و چهار چهار حروف جدا
 کند و اگر باقی حروف یک یا دو حرف بماند پس بنیات او را پیدا کرده

این چهار حروف را تمام کند بعد هر جمله این چهار چهار را ملفوظی
 و مکتوبی و مسروری جدا کرده سه سطر علیحدہ بنویسد سطر اول
 ملفوظی را سطر دوم مکتوبی سطر سوم مسروری از سطر اول شمار
 از اول حرف چهارم گرفته بنویسد و از سطر دوم شماره کرده از حرف
 اول حروف چهارم گرفته برابر حرف اول بنویسد بعد از سطر سوم شمار
 کرده از حرف اول حرف چهارم گرفته برابر حروف بنویسد هیطو
 از این سه سطر یک سطر استخراج کند بعد این سطر را صدر مؤخر کند
 کل حال سائل از پرده غیب هویدا خواهد شد اگر از این قاعده حال
 معلوم شود بهتر است و اگر از این طرح معلوم نشد پس از تقسیم خمس
 متجزه معلوم خواهد شد یعنی ۵ - ۵ طرح کند از این معلوم خواهد شد
 و اگر از این نیز معلوم نشد پس از تقسیم بسجده سیار ۵ معلوم خواهد شد
 یعنی از طرح ۷-۷ و اگر از این هم معلوم نشد طرح ۹-۹ معلوم میشود یا از
 ۱۲-۱۲ کردن معلوم خواهد شد و اگر از این نیز معلوم نشد بر ۲۸-۲۸ منازل
 قمر تقسیم کند و یک سطر جدا بنویسد بعد تکبیر صدر مؤخر کند تمام حال خیر شتر

معلوم خواهد شد (محمد باقر عطار)
 ۱۸ رجب ۱۳۹۶ هـ

قاعده استخراج جواب سائل

بدانکه در قاعده استخراج جواب سائل حسین منصور حلاج در کتاب خود سرالانصار المعروف بجلال الاسرار نوشته است که اول سؤال را فرد فرد بنویسد بعد طالع وقت استخراج کرده او را در یعنی خانه اول و بلا و دهم و تمام بروج فرد فرد تحریر کند باین شرط که کل حروف در یک سطر بیاید بعد بسط تکسیر کرده تمام حروف را تخلص کند بعد از صدر و موخر نام حاصل کرده در عرض طول و عمق و قطر این جدول ملاحظه کرده بیند که از یک یا دو کلمه جواب شافی حاصل خواهد شد بقول مذهب اشراقیه اگر سؤال در فارسی یا عربی یا هند یا در هر زبان که باشد جواب ظاهر گردد و بقول جناب سیادت مآب سید حسین اخلاقی نورالله مرقد حروف سؤال سائل را فرد فرد بنویسد ۴-۴ حروف جدا جدا تحریر کند بعد هر جمله ۴ حرفی را از ملفوظی و مکتوبی و سرودی ترکیب دهد و استخراج داده و تکسیر صدر و موخر نام حاصل کند بعد در جدول هذا ملاحظه کند که جواب سائل صافی حاصل شد یا نه اگر جواب پیدا شد که بهتر است

و اگر نشد سطر نام را خالص کرده باز تکسیر صدر و موخر کرده نام حاصل کند بعد در سطور تکسیر نظر کند که جواب پیدا شد یا نه و اگر نشد ۴-۴ حروف زما را جدا جدا حواله صفحات جامع کرده آن صفحہ ملفوظی و مکتوبی و سرودی تحریر کند بعد از ترکیب یک سطر استخراج کند در این جواب سائل بموجب سؤال هر چه شود - و نیز این طریقہ الیت برای تکسیر در جواب سائل که اول و حروف مادر سائل تحریر کرده خالص کند بعد از این حروف را ملفوظی و مکتوبی و سرودی نوشته حروف بنیات را بگیرد و اعداد کبیر و وسط و صغیر از روی مکتوبی و سرودی نوشته حروف بنیات بگیرد و اعداد کبیر و وسط و صغیر از روی مکتوبی و سرودی خصل کبیر کرده حصول حروف را تکسیر صدر و موخر کند جواب پیدا شود نزع دیگر بدانکه تمام اولیا و الله از این قاعده بیان میکنند بدانکه در تمام عالم حیات و ممات و قبض و بسط و خیر و شر هر چه که در موجودات عالم پوشیده است آن ظاهر خواهد شد حضرت امام محمد باقر علیه السلام از این قانون اسم خورد و اسم خلیفه وقت را بسط فرموده بودند و اسم مدعا یعنی هر اسمی که مطلوب بود آنرا بسط فرموده و حروف بنا کرد بسط اسمی از ملفوظی حروف عبارتست ملفوظی

و مکتوبی و مسروری را جدا جدا بنویسد بعد ۴-۴ حروف شمار کرده
 حرف چهارم جدا جدا بنویسد و هر چه که باقی ماند آنرا از قاعده ابر
 بنیات تمام کند و استخراج داده سطر درست کرده تخلیص کند اگر
 از هفت حروف کم باقی ماند مدخل کند و اگر زیاده ماند تکبیر صدر
 و موخر کند و از سطر تکبیر مطلب معلوم کند و اگر در ملفوظی و مکتوبی
 و مسروری دو قسم باشد یعنی ملفوظی و مکتوبی و مسروری نباشد
 آنوقت نیز همان قاعده بکار آمده است ~~است~~ قاعده الیت
 از حضرت ثامن الائمه علی بن موسی الرضا علیه السلام میفرماید که حروف
 سؤال را مفرد مفرد بنویسد بعد اعداد زیر تمام حروف موافق
 درجه بنویسد بعد اعداد تمام حروف را جمع کرده حروف بنا کنند
 و این حروف را ملفوظی و مکتوبی و مسروری تحریر کند استخراج داده
 صدر موخر کرده مطلب تلاش کند این همان قاعده الیت که
 ذکر کردید شد (قاعده در بیان استخراج سؤال سائل
 از خواجہ نصیر الدین طوسی منقول است میفرماید که اول حروف
 سؤال را جدا جدا بنویسد بعد حروف مکرر را بنویسد اسم سائل
 که بخواند تخلیص مذکور در حروف قاطبی کند و بلیغده بنویسد و اعداد
 جمع کرده بر منازل قمر تقسیم کند و اگر ۲۸ عدد کم بماند بر حروف ابجد

قطب طرح کند و بر هر حرف فیکه منتهی شود آن حرف را نظیر ابجدی اصلی
 دهد این مستحصله است و هر فیکه از سؤال سائل مستخرجند آنرا
 اول از حروف ابجد قطب در یافته آنرا ابجد اصلی نظیر داده جدا تحریر
 کند این مستحصله دیگر است و اعدادیکه از مستحصله اول پیدا کرده
 بودند آنرا از حروف قطب ابجد حرف سیم و چهارم و ششم و هفتم و نهم
 از استخراج خانه قطب ابجد آنقدر اعداد که از سؤال حروف پیدا شوند
 هر یک حرف از شمار این خانهها استخراج کند این اسمش مستحصله خالص
 است بدانکه هر وقتیکه سائل سؤال کند آنوقت بقاعده اهل نجوم طالع
 وقت استخراج کرده برج طالع را معلوم کند
 قاعده استخراج طالع وقت و استخراج آفتاب عالمتاب - اول در نهایت
 کند که آفتاب در این وقت در کدام برج است و چند درجه طی کرده
 است و طالع وقت بهر اسی کدام منزل است و قمر در کدام منزل است
 آفتاب و بروج و قمر و برج منازل هر چه در جدولات مات حروف
 تقسیم شود از آن جدا اول حروف استخراج کرده جدا بنویسد این حرف
 را جمع کرده از قطب ابجد مرتبه در یافته نظیر ابجد اصلی دهد این
 هم اسمش مستحصله است
 قاعده مرتبه حروف ابجد اصلی اینست که اول ابجد را بر سه حصه
 تقسیم کند اول از الف تا ط مرتبه آحاد است دوم از ی تا صاد

مرتبه شرات است سوم از قاف تا ظ مرتبه مآت است و غیر
 مرتبه الوف است - مثلاً اول حروف سؤال سائل را تخلص
 کند و حروف شماره کرده جدا بنویسد بعد حروف اسم سائل را غیر
 تخلص داد و حروف تخلص مذکور شریک کرده اعداد هر یک حروف
 را از ۹ تقسیم کند اعداد یک باقی ماند آنرا معلوم کند که در آحاد یا
 عشرات یا مئات حروف درجه و مرتبه معلوم کرده جمع کند از
 عبارت جواب پیدا خواهد شد نقش همین است (ابجد قطب)

س	و	ا	ل	ع	ظ	ی	م	خ	ق	ح	ز	ت	ق
ص	ن	ذ	غ	ر	ب	ش	ک	ض	ط	ه	ج	د	ث

(ابجد اصلی)

اناس	ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
نظیره	س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ

این مثالش چهار حرفی تمییز میشود اینرا باید خوب در خیال بیاورد
 مثلاً ق ل م این چهار حرف سؤال و نامرا از ابجد قطب دریا تقیم

باین ترکیب حرف اول قاف است و اعدادش یکصد میباشد
 این را از ۹ تقسیم کردیم از صد یک باقی ماند اسمش تقیم آحاد است
 از این این سه حرفند اب ج و از ابجد قطب حروف گرفتیم ص ن ذ
 بعد از این عدد اول) بی اینرا نیز از ۹ تقسیم کردیم سه عدد باقی ماند
 اسمش تقیم عشرات است حروفش ی ک ل و از ابجد قطب این
 حروف پیدا شد ط ه ج بعد از این حروف ص است ۹ عدد دارد
 این را از ۹ تقسیم نمودیم چیزی باقی نماند اسمش تقیم مآت است
 حروف ابجد اصلی ق ر ش است و از ابجد حروف ظاهر شد ع ظ ی
 بعد از این حرف میم است ۴ عدد دارد این ۱۲ را از ۹ تقسیم کردیم ۳
 باقی ماند باز اسمش تقیم آحاد است حروفش از ابجد اصلی این
 است د ه و ز - و از حروف ابجد قطب این است غ ر ب ش از مذکور
 چهار حرف این کل حروف حاصل شد ص ن ذ ط ه ج ع ظ ی غ ر ب ش
 همین جور استخراج کرده نظیره دهد بعد سائل را جواب دهد انشاء تعالی
 قاعده دوم مثلاً این چهار حرف فرض را سوال قرار داد و خالص
 کردیم و غیر خالص حروف اسم سائل و حروف طالع وقت و حروف
 آفتاب یعنی در هر درجه که در آن درجه آفتاب باشد و حروف

(در بیان مداخل وفق زوجی)

واضع باد که وفق زوجی دو قسم دارد قسم اول زوج مطلق دویم زوج
زوج فرد زوج مطلق اسم ۴ حرفی یا ۸ حرفی یا ۱۰ حرفی یا ۱۲ حرفی
دویم زوج فرد اسم ۳ حرفی یا ۵ حرفی یا ۹ حرفی یا ۱۳ حرفی مثلاً زوج مطلق
اسم متعال و عدد دارد و زوج فرد اسم متکبر ۵ حرف دارد این هر دو را

جدا جدا و مفرد مفرد در جدا اول نوشتیم (متکبر متعال)

۲	ت	ک	ب	۷
ب	۷	م	ت	د
ت	ک	ب	۷	۲
۷	۲	ت	ک	ب
۳	۴	۵	۱	۲
ک	ب	۷	م	ت

۲	ت	ع	ا	ل	ی
ت	ا	ی	م	ع	ل
ا	م	ل	ت	ی	ع
ی	ل	ا	ع	ت	م
ع	ی	ت	ل	م	ا
ل	ع	۳	۲	۱	۴

ع	ل	ی	۲
ی	۲	ع	ل
۲	ی	ل	ع
۲	۱	۴	۳
ل	ع	۲	ی

ا	ب	ت	ث	ج
ج	ا	ث	ب	ت
ت	ج	ا	ب	ث
ث	ت	ا	ج	ب
ب	ث	ج	ا	ت

بروج قمر و منازل قمر این تمام حروف را جمع کردیم پس این
حروف فرض پیدا شدند قیاسی بر این اعداد قاف را بر منازل قمر
تقسیم نمودیم ۱۶-۱ اعداد باقی ماند این را بر ابجد قطب تقسیم نمودیم
نون حاصل شد آنرا نظیره ابجدی دادیم حرف غین شد بعد از
این اعداد لام ۳ است اینرا نیز بر ۲۸ منازل قمر تقسیم نمودیم دو
باقی ماند آنرا بر ابجد قطب داد و حاصل شد و نظیره اش را است
بعد از این صاد است از تقسیم ۲۸ منازل ۴ باقی ماند آنرا خانه ششم
ابجد قطب ظا حاصل شد و نظیره اش میم است بعد از این میم
۴ عدد دارد این را بقا عدد بالا تقسیم نمودیم ۱۱ باقی ماند و آنرا
حساب ابجد قطب آنرا خانه دوازدهم را حاصل شد همینطور آنرا
طرح ۹-۹ مستحصله حاصل کرده سائل را جواب دهد لیکن تا وقتی
حروف ملفوظی و مکتوبی و سرودی را از نظیره ابجدی دادیم مث
حاصل شد حروف مستحصله این چهار حرف غ ر م ش حاصل شد
حروف ملفوظی و مکتوبی و سرودی را جدا نوشته امزاج دهد بعد
صدر و ماخر کند جواب حاصل خواهد شد - والسلام ۱۱

خانهای جفت

ا	ی	ق	خ	ب	ک	ر	ج	ل
ی	ع	کچ	ل	ر	ب	ق		ا
ع	ج	ر	ق	ا	ب	ل	ک	ی
ع	ق	ب	ک	ی	ل	ا	ر	ع
ق	ک	ل	ر	خ	ا	ی	ب	ج
ک	ر	ا	ب	ج	ی	ع	ل	ق
ر	ب	ی	ل	ق	خ	ج	ا	ک
ب	ل	ع	ا	ک	ج	ق	ی	ر
ل	ا	ج	ی	ر	ق	ک	خ	ب
ا	ی	ق	خ	ب	ک	ر	ج	ل

در بیان تکسیر زوج بدانکه تکسیر زوج زوج اینرا میگویند
حروف جفت و سطور جفت باشد دو حرف از سطر بردارند بر تمام سطر
عمل برانبرکنند

ا	ی	ق	خ
ق	ی	ع	ا
خ	ی	ا	ق
ا	ی	ق	ع

خانهای طاق بدانکه تکسیر معکوس آنرا میگویند
حروفی را که از سطر بردارند و بر حسب قاعده
تحریر کنند و مثال اینست

(در علم جفر)

بیان مداخل تکسیر منصوب الطرفین را بدانکه حروف سطر را
در خانهای طاق یا جفت یک یک حرف از هر دو طرف بنویسد
تا تمام آید یعنی سطر اول در آخر پیدا شود اسمش تکسیر
منصوب الطرفین است و این مثالش است (نقش این است)

ا	ه	ط	م
ا	م	ه	ط
ا	ط	م	ه
ا	ه	ط	م

ا	ه	ط	م
م	ط	ه	ا
ه	م	ط	ا
ا	ه	ط	م

ا	ه	ط	م	ف	ش	ذ	ب
ب	م	ه	ف	ش	ط	ا	ذ
ط	م	ذ	ب	ف	ش	ه	ا
ا	ه	ط	م	ف	ش	ذ	ب

در بیان مغلوب تکسیر بدانکه حروف سطور در خانهای طاق
یا جفت یک یک حرف هر سطر را بنویسد لکن هر دو سطر حرف اول قائم
باشد بر این مثال - در صغر بود میباشد -

نقش این است

(بیان تکییرات)

ا	ی	ق	غ	ب	ک
ک	ق	ب	ی	غ	ا
ی	ب	ک	ن	ا	غ
ق	ک	ا	ب	غ	ی
ب	ا	غ	ک	ی	ق
ک	غ	ی	ا	ق	ب
ا	ی	ق	غ	ب	ک

بدانکه تکییر میجانین و متخالفین
 از برج حمل تعلق دارد و سیاره
 اش مریخ است و تکییر مراتب
 المهورف از برج مریخ تعلق دارند
 سیاره اش زهره است و تکییر
 مراتب العددی از برج جوزا تعلق
 دارد و سیاره اش عطارد است

و تکییر عناصری از برج سرطان تعلق دارد و سیاره اش قمر است
 تکییر مرکب مجبی از برج اسد تعلق دارد و سیاره اش آفتاب است
 و تکییر مرکب المهورف از برج سنبله تعلق دارد سیاره اش عطارد است
 و تکییر مرکب العددی از برج میزان تعلق دارند و سیاره اش زهره است
 و تکییر مرکب المهورف از برج عقرب تعلق دارند و سیاره اش مریخ است
 و تکییر بودج المهورف از برج قوس تعلق دارند و سیاره اش مشتری است
 در بیان تکییر اول بدانکه حروف طاق یا جفت از هر قسمی و هر قدری
 باشند بهمان قدر خانه های مربع یا مثلث بنا کرده پُر کنند اسمش

(در علم جفر)

مداخل است و این دو قسم دارد قسم اول وقف تکییر متوسط شود بهتر
 است و در فوق اعداد میزان را گویند در خانه های طاق پُر کنند و هر سطر
 را بحسب ترتیب وضع حروف اصلاح دهد - اسم شود یا آیه قرآن شریف
 این از اسرار الهی است که از نا اهل و نامحرم پوشیده است - بدانکه
 مداخل تکییر بر استخراج حروف زمام است از حروف اسماء الهی و اسماء
 آدم هر چه که در عناصر اربعه عالم شش جهت و در اجسام و نفوس هست
 حاصل هر چه در نفس است طبع او واجب است و هر طبع اجسم و هر جسم
 دارد روح و هر روح اسم واجب است مرکب حروف استخوان روحانی
 میگردند و این تمام تصرف از پروردگار عالمیان است اگر کسی حرفی را
 دعوت کرده روحانی منحرف کند و تازی آن حرف شود البته مراد حاصل
 شود - قسم دوم در خانه های جفت حروف جفت پُر کنند

(بیان مداخل تکییر مرکب مجبی)

مرکب مجبی از برج اسد و کواکب آفتاب تعلق دارند - بدانکه حروف اسم
 طالب و حروف اسم مطلوب اگر واسطی عمل محبت است آنوقت زهره
 و مشتری را شامل کند بعد یکسره بنویسد و اگر از برای عداوت
 عمل کند آنوقت زحل و مریخ را شامل کند و یکسره تحریر کرده تکییر کند
 و قتیکه زمام پیدا شود از آن سطر ۴-۴ حروف کرده معرب و معجم کرده

ملائکه هر حرف را بنویسد و اگر روز یکشنبه باشد در آتش بسوزاند
 و اگر روز دوشنبه عمل کند در آب بپندازد و اگر روز سه شنبه
 باشد عمل کند یا شنبه یا جمعه عمل کند در خاک دفن کنند
 ملائکه - حضرت عزرائیل - حضرت میکائیل - حضرت اسرافیل - حضرت
 جبرائیل علیهم السلام - و وقت عمل ابتداء بوی خوش بکار برد که تعلق به
 کواکب دارد - حروف بروج و منازل قمر را ترکیب دهد

(بیان مداخل تکبیر مراتب حروف)

منسوب است از بروج ثور و کواکب زهره در اسم طالب و مطلوب هر که
 مراتب اسم باشد او را اول بنویسد مثلاً قاسم که الفی دارد مرتبه
 او اعلی است و این را اول نوشتیم بعد از این م بعد از این م بعد
 ام سق و بیانش الله تعالی بعد مفصل خواهد آمد

(بیان تکبیر مرکب العددی)

منسوب است از بروج میزان و از کواکب زهره بدانکه مداخل تکبیر مرکب
 العددی ترکیب العربی ابتداء اسم یا کلمه باشد این را جمل کبیر میگویند
 بعد از این حروف تلفظ مرکب بنویسد و بعد از این عدد بنویسد
 مثلاً علی است این را در بسط سلم نوشتیم علی بعد از این

بسط مرکب لفظ عربی مثلاً سبعین ع ۷۰ عدد دارد بعد ثلاثین
 ل ۳۰ عدد دارد بعد عشره ی ۱۰ عدد دارد حروف مستخرجیه من ب
 ع ی ن ت ل ا ث ی ن ع ش و ه (۱۸۵۸) این جمله عددش میباشد
 و حروف آن اینست که ح ن ض غ از نام علی این حروف حاصل شد

(بیان تکبیر العددی)

منسوب است از بروج جوزا و کواکب عطارد بدانکه در حروف اسم
 طالب و مطلوب هر که کم عدد دارد او را مقدم کند و هر که زیاده
 اعداد دارد آن را در آخر بنویسد مثلاً اسم احمد حرف الف کم عدد
 دارد اول تحریر کردیم بعد از این دال بعد از این ما بعد از این میم
 اد ح م مرکب اد ح م شد و اسم دو م حیب است حرف کم عدد دارد
 تحریر کردیم ب ب بعد از این ح بعدی حرف حمله ب ب ح ی مرکب

(بیان تکبیر مرکب المحروف)

منسوب است از بروج جوزا و کواکب عطارد بدانکه مداخل
 تکبیر مرکب الحروف اسم الله یا اسم آدم هر چه باشد حروف
 آنها را الفظی بنویسد بعد صد م آخر کند مثلاً لفظ رحمان
 را الفظی کردیم را ح ا م ی م ال ف ن و ن بعد این را مرکب نوشتیم
 را ح ا میم الف نون با اینصورت حروفات اسم آنرا باید تحریر کند

(بیان تکبیر مرکب الحروف) عناصر اربعه
 منسوبت از برج سرطان و کوكب قمر بدانكه تركيب تكبير عنا
 اربعه و تقسيم اين است مثلاً اسم شیدا حرف اولش است و اعد
 او ۳۰۰ میباشد این را از چهار تقسیم کردیم دو باقی ماند ب حاصل
 شد از بی نیز ب بعد از این حرف دال این چیزى باقی نماند دال
 بحال خود گذاردیم بعد از این الف لائى نیت که طرح شود این جمله
 حروف از اسم شیدا حاصل شد ب ب دال

(بیان ترکیب الشفیع)
 منسوب است از برج جدی و کوكب زحل بدانكه از اسم ادم حرف
 اسم الله تعالى وضع کند و اسم الله را میان اسم طالب و مطلوب نوشته
 و یکسره درست کرده صدر را آخر کند که تمام حاصل آید یعنی سطر اول
 در آخر هویدا شود در این طریقه خت است مثلاً طالب احمد و مطلوب
 قاسم و اسم خدا و دود) این حروف را در بسط مسلم بنویسید باین
 نحو (قاسم و دود و داح م د) اسم این تکبیر شفیع است و حروف اسم
 الله و اسم خدا و اسماء الهی در هر عمل بکار میآید

(بیان مداخل تکبیر مرکب الوتری)
 منسوبت از برج دلو و کوكب زحل بدانكه حروف اسماء الهی
 و تراکری میان د و نضر جدا می شود این اسماء الله تعالی و اسم طالب
 و مطلوب را باین ترکیب بنویسید احمد طالب و قاسم مطلوب و
 اسماء الله یا دود و یا مهیمین یا صد این همه را بسط مسلم کند
 ق ا و ا ح د س م د م د و بعد از تکبیر در عمل بیاید

(بیان مداخل تکبیر تزویج الحرفی)
 منسوبت از برج قوس و حوت و کوكب مشتری - بدانكه تزویج
 الحرفی این را گویند که حروف اسم طالب و مطلوب جفت باشند
 و بعضی از استادان چنین تحریر میفرمایند که حروف اسم طالب
 و مطلوب خواص طاق باشند یا جفت این حروف را از اول تا آخر
 بسط مسلم کند و حروف تمام سطر را جمع کرده تکبیر کند مثلاً رجم و
 قاسم - رح ی م و ق اس م یا معروف و محمود م ع ف د م ح م
 و د -

(بیان مداخل تکبیر مرکب الحرفی)
 منسوبت از برج حمل و عقرب و کوكب مریخ بدانكه تکبیر مرکب الحرفی
 اسم الله یا اسم ادم باشد حروفش را لفظی کند بعد صدر را آخر
 کند مثلاً صد - صاد میم دال تحریر نماید والسلام خیر ختام

(در جواب استخراج جواب و سؤال)

چند قاعده دارد - در کتاب ستر الا سراج حلاج قاعده های
 استخراج سؤال جواب تحریر کرده میفرماید و قتیکه سائل سؤال
 کند طالع وقت دریافت کرده خانه بروج حروف او تاد و
 مطلب سائل و حروف روز و ساعت فرد فرد بنویسد بعد از
 این از اعداد جمله یکی بنویسد بعد شماره حروف اعداد جدا
 بنویسد بعد بر آن قدر که لفظها باشند آنقدر اعداد نوشته
 حروف ملفوظی بنا کند مثلا برج او تاد این حروف باین مثال
 (ن ب ج و و ش) و اعدادش (۷ ۶ ۱) و حروف لا و نقاط ۴ ۱ ۲
 این حروف ملفوظی بنا کردیم (ال ف س ی ن ذ ال ز ا و ا و) و اعداد
 حروف روز و ساعت و سؤال ۲ ۲ ۵ - اند و شمار حروف مثلا - ا ن د
 و نقاط ۴ اند از این نیز حروف ملفوظی بنا کردیم ه ا ک ا ف ا ب ا
 ی ح ا این تمام حروف از سؤال و طالع وقت و او تاد و روز
 ساعت استخراج شدند بعد خالص کردیم ن ب ج و و ش ال ف
 س ی ن ذ ز ه ک ح بعد این حروف تاد ا بسط گسودات کردیم
 ن ب ا ج ر ق ن و ج ش ال ف م ک ی ه س ل ی ه ذ ن ه ل ه و ی ح د
 (پ ۱)

این حروف حاصل آمدند از این کیسطنر بنا کرده نظیره دادیم

ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ظ	ع	غ	ف	ق	ک	گ	ن	ی	ه	س	ل	ی	ه	ز	ح	ط	ظ	ع	غ	ف	ق	ک	گ	ن	ی	ه	س	ل	ی
ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ظ	ع	غ	ف	ق	ک	گ	ن	ی	ه	س	ل	ی	ه	ز	ح	ط	ظ	ع	غ	ف	ق	ک	گ	ن	ی	ه	س	ل	ی
ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ظ	ع	غ	ف	ق	ک	گ	ن	ی	ه	س	ل	ی	ه	ز	ح	ط	ظ	ع	غ	ف	ق	ک	گ	ن	ی	ه	س	ل	ی

بعد از سطر نظیره هر دو فیما که لازم است آنها را ترقی دهد
 آنحرف قتیکه تنزل لازم است آنها را تنزل و کیسطنر مستحصله بنا کنند
 بعد بسط خبری کرده صدر یا آخر یک یا دو یا سه مرتبه کند سطر
 آخر مائل سائل کو یا خواهد شد
 قاعده بدانکه اول سؤال سائل مع اسم سائل و اسم مادر سائل و
 روز و ساعت و طالع وقت بسط کرده نظیره داد از جزو و سطر مستحصله
 استخراج کرده مرتب و مقوی کرده تکیس کند سطر بیجم بر حال سائل کو یا
 خواهد شد قاعده استخراج حروف مستحصله بدانکه
 استخراج حروف مستحصله از نظرات کواکب بر تثلیث و تسدیس
 است بقاعده علم نجوم و قتیکه سائل سؤال کند آنوقت طالع وقت
 استخراج کرده بعد صاحب طالع را بید در هر خانه که باشد از آن

خانه برج سیم و یازدهم و پنجم و نهم شماره کرده حروف این بروج
 گیرد و حروف اسم سائل را در بسط مسلم ملفوظی تحریر کند بعد حروف
 مکرره را بپندارد بعد زیرش سطر نظیره بنویسد بعد آنقدر بیکه
 حروف باشند جدول بقدر خانه ها بنا کرده حروف خالص پر
 کند بعد ترفع دهد که سیم و یازدهم و پنجم و نهم از شمار حروف
 کرفته زیر سطر نظیره نوشته سطر ترفع تمام کند بعد نظیر داده صدر
 مآخر کند از سطر آخر جواب سائل حاصل شود - انشاء الله تعالی

تبعاعده عربی جواب سائل اول سوال سائل را در بسط مسلم نوشته
 اعداد جمع کند بعد از اعداد حروف ملفوظی بنا کرده از هر حرف اعداد
 بنا کرده حروف بنا کند نظیر داده صدر مآخر کند جواب حاصل خواهد شد

مثال او بر این چهار مابیح حروف میدهم مثلاً اعداد جفر ۴۵۳ اینرا
 در لسان عربی ثلاث و خمسين ثلاثة مانه میگویند اعدادش را جمع کند
 (۲۱۷۴) اینرا نصف کردیم (۱۰۸۷) سبعة ثلاثين مانه ماد الف
 (۲۱۵۰) (۲۲۵) (۲۷-۹) هرک رزک ط این حروف را ملفوظی بنویسد
 (ه ا ک ا ف د ا ز ا ک ا ف ط ا) بر این قیاس سوال را نوشته جواب دهد

نقل است از شیخ بهائی علیه الرحمه تجربه شده و صحت دارد هر کس
 حاجتی داشته باشد از شخصی با طهارت سوره النصر را با این شکل به
 کف دست راست بنویسد و دست خود را هم قبض نماید و فتیکه به مقابل
 شخص منظور الیه برسد کف خود را مفتوح نماید بطوریکه آن شخص نفهمد
 ☆ از ابن عباس روایت شده و مکرر تجربه شده است بجهت محبت و الفت
 در روز دوشنبه یا پنجشنبه بعد از فراغ از نماز صبح باز عفران و سنک و کلاب
 و کافور در دست نازک با اسم و مادر مطلوب و هکذا اسم خود و مادر بعد
 آن نوشته را - اجعل الونق فی شمع و خذ یکنک الیمنی و اعرض لکنک علیه
 و ارم بکنک علی الارض الی ان یقع بصره علیک فاذا نظر فاعقد علی ذراعیک
 الیمنی و التویذ هذا - ل یحبونهم کحب الله و الذین امنوا اسد حبا لله یا اهل
 یا اهلها ترین للناس حب الشهوات الی قوله حسن الماب - قل ان کتم تجنون
 الله الی قوله غفور رحیم - و التیبت علیک فحبه نبی الی قوله یکنف هذا باسم فلان
 علی حب فلان بحق لا اله الا الله محمد رسول الله -

فصل در باب حروف سبعة که در سوره فاتحه نیست مجموع آن در این آیه
 ان آیات سوره انعام بر تیب اینست (فحشظن نادل کر دیده د آن اینست
 ا و من کان متیناً فاحیناه و جعلنا له نورا یمشی به فی الناس کمن مثله
 فی الظلمات لیس ینارج منها کذلک ذنن الذکافرین ما کانوا یعملون بعد
 ۵۹۲ و طرح ۱۴ سوره ۲۱۹۵ حروف خالصه بتویب ایجاد در این آیه است
 ا ب ج ه و ز ح ی ک ل م ن س ع ف ر ش ت ث خ ذ ط حروف نورانی

ج	ی	م	ا	ت	غ	ن	د	ل	ق	ف	ح	ط	ب	ك	و	ا	ب	ج	د	ر	ل	م
ن	خ	ظ	س	ح	ن	غ	ص	ض	ه	ج	ت	ث	ع	ذ	ر	ع	ف	ص	ذ	ض	ظ	ظ
ح	ی	ه	ا	ج	د	ف	ا	ج	ی	ا	ل	ا	س	ل	ا	ع	ه	ل	ج	س	س	س
ا	ج	س	ی	ح	ه	م	ا	ه	ب	ع	د	ا	ف	ل	ا	س	ع	ا	ی	ی	ی	ا

نوع دیگر در جواب سائل شخصی مستی سلیم خان - سوال کرد که افلاس مرا زور آورده است و سوداگر بودم و گفت مرا آسلی ده و نظرتن و ببین مقدر من چطور است - بنده سوال را باین ترکیب موافق قواعد جفر نوشتیم و بسط کردم سوال را و آن سوال اینست سوال سلیم خان از ابجد و مفرده نوشتیم (م ق در م ن ج ط و را است) مجموع اعداد اینست ۱۲۶۹ عدد حروف و عدد نقاط و اعداد را حروف ملفوظی و مکتوبی و مسروری نوشتیم (ط اس ی ن ر ا ع ی ن دال ی ا ز ا) بعد اعداد کبیر و اوسط کردیم (۴۵) شد بعد صغیر (۹) حروف بنا کردیم ه ا م ی م ط ا شد بعد طالع سلیم خان بر ج دل بود این حروف را نوشتیم (ر ط ک ض ا و اساس قرار دادیم و نظره کردیم بعد از نظره مستحصله استخراج کردیم و بعد

نظره داد و صدر ماخر نمودیم جواب مقبول نمودار شد بدین طریق

ط	ا	س	ی	ن	ر	ع	غ	د	ل	ز	ه	م	ن	ك	ض	ن
ث	س	ا	خ	غ	و	ن	ص	ص	ض	ش	د	ظ	ذ	ل	ن	ن
د	ع	ر	و	ز	ق	ح	ا	ح	ذ	ع	ح	ج	خ	غ	ن	ن
ص	ب	و	ر	ش	ه	ت	س	ت	ن	ك	ب	ت	ی	ن	ن	ن
ن	ص	ی	ب	ب	ت	و	ب	ر	ك	ن	ا	ت	ه	س	ت	ت

این جواب حاصل آمد (نصیب تو بر کشته است) بجز د شنیدن این جواب سلیم خان گفت چه تدبیر کنم این سوال را مفرده نوشتیم بموجب مذکور بالا بسط کردیم ح ه ت د ب ی ر ک ن م $\frac{۱۳۴}{۸}$ $\frac{۷۷}{۴}$ ترکیب جدول بالا نمودار است (دال م ذ ر ع ی ن ح ه)

د	ا	ل	م	ذ	ی	خ	ز	ع	ن	ه	اساس
ص	س	ض	ظ	ك	خ	ت	ش	ب	غ	ق	نظره
ع	ب	ن	ك	ب	م	ه	و	ك	ن	ا	مستحصله
س	ا	ل	خ	ا	ن	و	ه	ل	م	ب	ترجمه مقبول
ب	س	م	ا	ل	ل	ه	خ	و	ا	ن	صدر نظر

جواب سائل بر آمد بسم الله بخوان و معنی بسم الله الرحمن الرحيم

بِسْمِ	اللَّهِ	الرَّحْمَنِ	الرَّحِيمِ
الرَّحِيمِ	الرَّحْمَنِ	اللَّهِ	بِسْمِ
اللَّهِ	بِسْمِ	الرَّحِيمِ	الرَّحْمَنِ
الرَّحْمَنِ	الرَّحِيمِ	بِسْمِ	اللَّهِ

خلی بی شمار است و چون مداومت نمود زمانی نگذشت که سعادت روی آورد و سال و دولت و (قبال بر آورد که محتاج خلق نکردید از بרכת بسم الله و شرحی طریقی دارد لیکن قدری از

شرح کلمه مبارک که بسم الله الرحمن الرحیم بیان میشود از جهتی که اینجا ذکر شد و بعضی خواص بسم الله را چنان بیان کرده اند که اگر کسی را حاجتی رود و در این کلام شریفه بعد در حروف جمل کبر که هفتصد و هشتاد و شش مرتبه بگفته بی در پی یک ۷۸۴ عدد تلاوت نماید از برای هر حاجت باشد خصوصاً برای جلب منفعت یا دفع ضرر یا کسادی که در کارهای بسنده و زیاد شدن رزق و متاع باذن الله تعالی بگفته یا در هفتصد تمام نشده باشد حاجات بر آورده گردد و طلسم مبارک شریف که در بالا مرقوم شده با خوردن در آنکبات آخر الزمانی در امان ماندن حقیقی باشد - و بعضی خواص این آیه شریفه را چنان شرح میکنند که اگر کسی حاجتی داشته باشد هیچ چاره نداشته باشد پناه بر این آیه شریفه ببرد خدا بیغالی جمیع حاجات او را بر او گرداند و قاعده و طریق خواندن باین نحو میباشد

که بعد در جمل که پیش گذشت یا شش رکعت نماز بخواند یا در سلام هر دو رکعتی بیک سلام و در هر رکعت بعد از بکرمه سوره حمد ۱۵ مرتبه سوره الم لشرح و بعد این دعا را بخواند و بعد مذکور ۷۸۶ بسم الله الرحمن الرحیم را بعد از شش رکعت نماز که ذکر شد و بعد از ختم این دعا را بخواند و حاجت خود را طلب کند از پروردگار عالم استغاثه بر آورده است و دعای او اینست بسم الله الرحمن الرحیم اللهم انی استلک بفضل بسم الله الرحمن الرحیم و استلک بعظمه بسم الله الرحمن الرحیم و استلک بجلال و تبارک بسم الله الرحمن الرحیم و استلک بسم الله الرحمن الرحیم و استلک بجزمة بسم الله الرحمن الرحیم و یجربوت و ملکوت و کبریا بسم الله الرحمن الرحیم و استلک بعزته و قوته و قدرته بسم الله الرحمن الرحیم ان ترفع قدیمی و لیس امری و اجبر کسری و اغنی فقیری و اطل عمیری و تفضی حاجتی بفضلك و کرمیک و احسانک یا من هو کهنه عصم حقن المر المر الاسم الا عظم الله لا اله الا هو الحق القیوم العلی العظیم الا کرم ذو الجلال و الاکرام و استلک بجلال الهیة و بعزته العزیز و استلک برحمیک و بالکبریا و العظمة و بالنجربوت القدره ان تجعلنی من الذین لا خوف علیهم و لا یجزون و استلک بدوام البقاء و ضیاء النور ان تجعلنی من الصالحین

وَ اسْتَلَك بِحَسَنِ الْبَهَاءِ وَ بِاشْرَاقِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ اَنْ تَدْخُلَنِي بِرَحْمَتِكَ
 فِي جَنَاتِ النِّعَمِ يَا رَبِّ الْعَالَمِينَ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَ صَلَّى اللهُ
 عَلَي سَيِّدِنَا وَ نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ جَابِلِيَةً شَخْصِيَةً اِيْنَعْلَمُ بِهَا
 بِجَايِ بِيَاوَرِ دَخْدِ اِيْتَعَالِي حَاجَاتِ اَوْرَا اِبْرَاوَرْدَه كَرْد اِنْدَا بِنْتَاوَرْدَه اَللّٰهُمَّ

لیک قاعدہ - سوال و جواب (سوال شد خاتم النبیین کیسے

مدخل کبیر ۱۹۵۲ عدد حروف ۱۶ عدد نقاط ظہور استنطاق کریم
 ب ن ظ غ - و ی - ی - بسط دادیم - بان دون ظا غ ی ن و ا و ی ا

نظیر (بجد) ع س غ ر غ م س ن غ ر س ر خ س خ س
 نظیر (اعظم) ن م ض م ر س م ع ن ض م ص م ص ت م ت م
 ت م ع ب م ض ق ا ح ض س ع غ م ظ ص م ظ
 ح د ب ع د ل ه س ت ل ا ب ن ا م ا م
 م ح م د ا ب ن ع ب د ا ل ل ه ا س ت

جواب در آمد - محمد ابن عبد الله است)

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام میفرماید - یا عبد عند کل
 المروف خرابنی فاذا دخلت علی خرابنی لا تجبر احدًا بانک دخلت علی
 خرابنی و الا فانت جابن علی حقیقی است در سینه بود - در پی نمود علما

لیک قاعدہ دیگر) من یحیی العظام و هی راسم -

عدد کبیر ۱۴۷۱ و سبب مجموعی ۱۶ و سبب کبیر ۱۴۸ = صغیر ۱۳
 مراتب نقاط ح ل جمع کل ۱۷۲۷ بسط الف ع ی ن ت ا غ

ی ن ن ا س ی ن ح ا م ی م ق ا ف ج ی م ی ا ح ل

خلاصه (الف ع ی ن ت غ ز س ح م ق ج -

با عدد ماه جمادی الثانی) ج م ا د ی ا ث ا ن ی

سال ج ک ر غ - نظیر

ص ض ج ب خ غ ح ن ش ا ت ظ ه ف غ ف ک خ ص ن خ ط س غ

خ ف ذ و ن مستحصله مرافق صفحات جعفر جامع

ت خ س ض خ غ س ص ر ط ع ق ع ض ذ ر ر و ض س ق ن

س ک س ق خ خ نظیر -

ح ی ال ی ن ا ا د م ت ه ب ل ک و و ن ل ا ه ش ا ط ا ه ی ی

صدر مآخر) ی ح ی ه ا ا ل ذ ی ا ن ش ا ه ا ا و ل م ر ت

و ه و ب ک ل ش ع ل ی م - یحی ه ل الذی ا لشها اول

مرآة وهو بكل شیء علم

(تا عدد هفتاد)

السؤال: من خلق السموات والأرض (عدد الحروف في النقط
لا لفظ: غافيطوس - اساس: زش باغ طي نزي وم ال
اح داوب ع س اع ف غ ان ي ط اوس -

نظيره: ش نزع ن ث خ ط س ض ت ص وب اح ج -
تكبير: ج ش ح ز اع ب ن و ث ص خ ث رض ط س -

نتيجه: ض ق ص ن غ س ب خ ط ض ض ش ش ض غ هي
نظيره: ل و اغ ي اع ي م ل ل ز ر ل ن ق خ -

الجواب: خ ل ق ه ن ال ع ذ ي ز ال ع ل ي م -

(خَلَقَهُنَّ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ) ۱۷ - مطابق عدد سؤال فوق
اخذنا مداخل السؤال ومداخل عدد مفرداته ومداخل
عدد نضطه ثم عملنا بطريق الترتي والمساوات ثم اخذنا

(النظائر ينطق بجواب صادق)

(طريق سوال)

اول سوال را مقطع بنويسد و جمع کند عدد او را يكسطر
بنويسد بعد وسيط مجموعي را بگيرد و در پهلوي عدد جمع

اصل بنويسد ملقب آن عدد حروف بليحد بنويسد بعد حروف
استخراج نمايد بعد صدر موخر نمايد نظيره كواكب دهد نظيره

بدوح دهد بعد حروفات را بمطلوب دهد جواب پرون آيد
در اين عمل بايد خيلي دقت نمايد كه اشتباه نده نمايد اگر اشتباه شود

زحمت بهتر رود (سوال امروز دوشنبه اسمعيل پسر هادي
در خانه مسج خواهد آمد يانه عدد اصل ۲۸۱۷ وسيط مجموعي ۱۶۴

حروف ۵۴ ثقاط ۹ - زاي اض اد غ ي ن د ال س ي ن ق ا ف ه
م ي م ط ا ي ا صدر مآخر) ا ز ي ا ا ي ط ض م ا ي د م ب ا ه

غ ف ي ا ن ق د ن ا ي ل س - نظيره كواكب ايقع ن ك ث ن ن
ث م د ط ن ث ض ط خ ن ن ط س ش ث ن ا ه ض ا ن ث ع غ
(نظيره بدوح ا حش)

ح دا ج ح ا ك ط ذ ج ا ن ه ج ج س ظ ت ا ج ث خ ف ن ج ا و ع
مطلوب) د ج ب ي د ب ك ك ض د ب ص ج و د د ع غ ش ب د خ
ث ص خ د ب ه س

جواب (دوشن ب ه اس م اع ی ل ب س ر ه ا دی ب ه
خ ان ه م س ی ح خ ا ه د ا م د)

دوشنبه اسمعیل پسر هادی به خاند مسیح خواهد آمد -
نظریه الیقغ - ای ق غ ب ک ر - ج ل ش د م ت ه
ن ت و س خ ز ع - ذ ح ف ض ط ص ظ

(دائره اجیش)

اج ح ش دل ه - ط س ع ق ت س ب
ت و ن ت ک ل م - خ ذ ص غ ر ص ز ی

طالب مطلوب | ا ج ح ه ط ک م | الف | ق | ش | ث | ذ | ظ |
ب | ا | د | و | ح | ی | ل | ن | ع | ص | ر | ت | خ | ض | غ |

جفر خافیه (این قاعده محتاج است به تضعیف بعد از
اینکه حروف سؤال را بسط کرده و تکبیر و اسقاط و جمع و
تنقیص و انحصص و از دو واج و ترتیب و اخذ نظریه و تکبیر
و تقلیب این قاعده معلوم نمیشود مگر (مثال سؤال)

هل للبصره والبغداد وما والاها آفة فی استقبال
الزمان ولو بعد حين (هر ل ل ل ب ص ر د) الی آخر
بسط حرف کن و اعدادش را در تحت بگذار بحروف جمل که
مداخل گیر نامند - بعد از آن روز سؤال را با حروف مقطعه
بنویس چنانچه ما نوشتیم (ب ب پ ت و بعد از آن بنویس که حال
چند ماه است مثلاً ۱۷ شهر رجب بلفظ عربی) السابع و
العشرین من شهر رجب و اعدادش را در تحت بنویس -

ال س ا ب ع و ال) تا آخر بعد از آن حروف سائل را با حروف
مقطعه و اعدادش بنویس چنانچه ما نوشتیم
اسم سائل مطهر بود و الی خراسان و عدد حروف اسم مکان سؤال
را و اسم مادر سائل و عدد اسم پدرش و عدد اسم سؤال بنویسی
و ساعت وقت را بنویسی توضیح اینکه عدد حروف بسط سؤال و عدد
حروف اسم استخراج شده و عدد اسم ماه سؤال که اسم ماد است

و عدد اسم سوال سال که در آن سال سوال بشود بالعظ عربی
 که چند مدت است از هجرت گذشته است چنانچه در اول =
 نوشتیم جمع را اینست حصه واقعی از اعداد اولاً بالذات بعد از
 آن حساب نمودیم با قاعده میزانیه حروف که وضع خفض است
 اینست جناب حصه اعداد سابق چهل حرف است ف ن ذ ض ط ز

۸۰ ۷۰ ۷۰ ۸۰ ۵۰ ۶۰ ۷۰ ۶۰ ۷۰ ۸۰ ۴۰ ۱۸۰ ۸۰ ۸۰ ۵۰ ۶۰ ۵۰ ۵۰ ۸۰ ۷۰ ۷۰ ۸۰
 استنطاق عدد نموده یعنی حروف هر یک در

پایش بنویس بدین قاعده (ف ن ذ ض ط ز) بعد از آن هر حرف را
 یکدرجه ترقی بدهی بنظم طبیعی بدین مثال ص ح ض ط س س ق س

ص ظ ص ب ا ن ط خ ط ا ع س خ ح ا ث ض ض ه ا ح ط ب ع
ج ص ظ س ا غ ب س د ا خ ع ب س بعد از این یکدره میان باید

نوشت مستحضره گویند
ص ض س ق ا ص ص ن خ ا ع خ ت ض ا ح ب ج ط ا غ س خ ب

و باقی حروف را مستحضره گویند
ح ظ س س ا ط ب ط ض ا س ح د ه ا ط ع ص س ا ب ذ ع س ا

مستحضره فوق
ص س ص ن ا ع ت ح ج ا غ خ مستحضره
ص ق ص خ ا غ ض ب ط س

مستحضره مستحضره
ح س ظ ط س ض ط ض ب ع مستحضره مستحضره
ظ س ب ص ح م ع ر ذ س
 بعد از آن چهار سطر هم باین ترتیب بنویس سطر آخر را با اول ضم
 کن و آخرین حروف خارج شود ص س ب ص م ع ر ذ س

مستحضره مستحضره
ص س ص ن ا ع ت ح ج ع خ بعد از آن چهار سطر
 نوشتنی نظیر ابجدی بنویس اینست نظیره

ا ا ع ل ا ت ق ب و الی آخر بعد از آن منصوب نموده جواب
 شافی آید ای ف ت ح ب غ د ا ب ع د ث ل ا ت م ا ه ا ع ا م ع ل ا

ی ی د ح ل ا ک و ب ق ت ل ع ا م
 نفع بعد از بعد ثلاث ماه عام علی بد هلا گو بقدر عام

از هر ارانی معلوم شد در مستحضره مستحضره آسانست اصل
 در آن اعداد است که حرف سوال را حصه نموده چهار حرف

اقتضای نموده

(وقت طالع) پس از سؤال اوتاد اربعه را مینویسند بعد از آن اوتاد برج قمر را نویسند و بعد از آن برج شمس را نویسند مثلاً امروز ۲۴ ماه است و منزل قمر ثور است باید نوشت و منزل شمس سرطان است باید نوشت این شش منزل که چهارم اوتاد اربعه است - و دو با منزل شمس است و مراتب باید نوشت بعد از آن چندم ماه است مثلاً ۲۴ است دک نوشت بعد از آن چه روز است مثلاً یکشنبه است (د) و سال هجرت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله مثلاً ۱۳۹۷ = شرط شمس بنویسند و شخص سائل باید ۱۴ قاعده را مراعات نماید اگر چه ۲۸ قاعده است لیکن ۴ قاعده مندرج است بنوعیکه بعد از استحضار بمطالب و مدارج و مراتب مشخص میشود (قاعده)

اول باید شخص سائل این قاعده را بداند که حساب جمل پنج نوع است یکی جمل کبیر است مثلاً الف $\frac{1}{1}$ ی $\frac{1}{1}$ ق $\frac{1}{1}$ غ $\frac{1}{1}$ جمل وسطی اتبع اذروف جات از مات به عشرات و از عشرات به آحاد بیاید

از هزار یکی از صد یکی و از ده یکی آحاد بر قرار) جمل اوسط ای قاغ) جمل صغیر الف را یک ی را ده ق را صد و غ را هزار حساب کردی ۹-۹ طرح کنی هر چه از ۹ کمتر آید بگیری آنرا جمل صغیر این چهار مسئله در جمیع کارها بکار آید و السلام

توضیح در باره چگونگی مستحصله چند طریق در این علم شریف بیان شده است این یک طریق است که بیان خواهد شد انشاء الله تعالی در بیان حروف مستحصله و فیکه بعد از آن مد اخل اربعه سؤال را حرف کرفی خواهی که مستحصله حاصل کنی یک حرف از آخر و یک حرف از اول و باز یک حرف از آخر و یک حرف از اول گرفته در خانه اول بنویسی که یکی جزو کونیند دوم حرف سطر سوم حرف صفحه چهارم حرف خانه بدین ترتیب ح م ی م (جزوم) سطر ح (صغری) خانم م) الی آخر حروف سؤال هر قدر باشد چهار چهار نویسی یکی از حروف در خانه آتش واقع شود که خانه اول است دوم باد سوم آب چهارم خاک بعد از آن بقاعده بدو ح یکن که عمل قاعده جفر خانی

عبارت از اوست از این حروف چهارگانه که بعد از نظیره و صدر و مآخر که هر چهار حرف در خانه های مذکور عناصر اربعه نوشته مستحصله حاصل کنی

آتش بادی
 ا ه ط م ف ش ذ بوی ن ص ت ض

ج ن ک س ق ث ظ فانی
 د ح ل ع ر خ غ

رفع ترقی
 ب د و ح ی ل ن ع ص ر ت خ ض غ

ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۴	۲	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۰
س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ
۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۲	۱۳	۱۴	۱۳	۱۴	۱۴

ک م ن د ی ن وسیط مجموعی وسیط صغیر جمع
 ۱۸۶ ۲۴ ۱۵ ۶ ۳۱
 و ف ق د ک ه ی و ال

تصویر مهم در کتابی دیده شده نوشته بود طریقه کونیند یکی از طرق ناطقه جفریه این طریقه است که حروف سوال را نوشته و وضع مکررات نموده و خلاصه حروف را ملاحظه نماید که چند حرف است و کسورات همان حروف را که بمنزله مستحصله است نوشته و مکررات حروف کسور را نیز وضع نماید و ملاحظه نموده که بعد از وضع مکررات کسور چند حرف باقی مانده را مرتب نوشته تا اصل نماید که چه عبارت بیرون میآید از او که آن جواب و سوال تو خواهد بود و بمنزله وحی است هرگاه عمل کنی

(از دایره ابجد)

زمان گرفته شود یعنی یک در میان حرف اخذ شود صورت دایره اجهری تشکیل میشود

ا ج ه ر ط ک م س ف ق ش ث ذ ظ
 ب د و ح ی ل ن ع ص ر ت خ ض غ

و زمان دایره اجهری دایره اهلطی است

ا ه ط م ف ش ز ج ل ش د م ت ه
 ج ن ک س ق ث ظ ذ ح ف ض ط ص ظ

قاعده حروف اول مراتب از آحاد و عشرات و مئات

(در علم جفر)

والوف در دایره اجد اخذ شود دایره ایغ تشکیل مییابد
یعنی بعد از اینکه

ای ق ا خ ب ک ر ج ل ش د م ت ه
ن ث و س خ ز ع ذ ح ف ض ط ص ظ

حرف اول دایره اجد گرفته شد بعد باید حرف دهم آنرا
اخذ نمود تا دور تمام شود مثلاً الف اول دایره اجد است
یاد هم قاف صدم و غیر هزارم است - و هكذا
(قال الامام الباقر علیه السلام)

اهط مفسد ناریه - بو نصتض قسط الهوی جز
کتفظ مائیه دحلر خغ سهم التری

خراسم بوسه زمینی که چو در قهقه سین
بشاری که فقط بر زبرشین باشد
گفت نلدان کنش تا نبود پر تر حرام
این قراری است که در مذهب یاسین باشد

کتبه محمد
عطار ری
- ۱۴۰۰
هجری قمری
رحمت الله علیه

(در علم جفر)

(قاعده سؤال از جفر جامع)

از کلام مولای متقیان علی بن ابی طالب علیه السلام

از قاعده محمود دحدار و طریقه او آنست که چون خواهند جواب
بیاید باید - ۲۸ عمل در حروف سؤال بشود تا آنکه حروف سؤال ناطق
شود و آن ۲۸ عمل بترتیب ذکر میشود (تلا) اول بسط سؤال
یعنی سؤال را بحروف مقطع باید نوشت حرف حرف و قوم جمع کردن
عدد آن حروف بعد اجد کیر و جمع آن عدد را مدخل کیر مجموعی
مینامند سوم آنست که آنچه که از حروف حاصل شده و آن
مدخل وسط مجموعی مینامند سه مدخل دیگر از آن درست
کنند تا جمع مدخل اربعه مینامند و ضابطه او آنست که سه مدخل
دیگر را باین روش باید گرفت که آحاد آنها را با الوف جمع کنند
یعنی تنزل مرتبه الوف به آحاد دهد و عشرات را با مات بعد نوشت
مثلاً مدخل کیر مجموعی ۱۲۲۵ بوده است هزار را با پنج جمع کردیم شد
شش بعد از آن بیت بود عقب شش نوشتیم بعد از آن دو بیت
بود عقب بیت نوشتیم چنین شد ۲۲۶ بعد از آن شش را با مات
جمع کردیم یعنی تنزل مات با حاد که - ۸ - شده آنرا نوشتیم بعد از آن
هم بیت را نوشتیم بیت هشت شد - ۲۸ - این مدخل سوم را

مدخل وسطی مینامند که حاصل شده از مدخل وسطی مجموعی که دومی باشد یک مدخل دیگر که مدخل صغیر گویند باید درست کرده و او اینست که هشت را با دو جمع کرده میشود (۱۰) پس مدخل چهارم که مدخل صغیر بوده (۱۰) شد عمل چهارم از ۱۲ عمل با آنت که عدد های، مد اخل اربعه را باید استنطاق کرد عمل پنجم آنت که آنحروف را که از مد اخل اربعه حاصل شده استنطاق کردیم آنرا ملفوظی و ملبوبی و مسروری باید کرد یعنی دو حرفی و سه حرفی را باید بحرف نوشت مثلاً (۱۱) را الف و لام و فای باید نوشت و قس علیهذا

عمل ششم آنت که بعد از ملفوظی جمع باید تاریخ را مثل روز یا شب یا ماه و سال هجرت را مثل آنکه مینویسیم سؤال داد در روز دوشنبه بیست نهم ماه شعبان المعظم هزار و دویست و چهل و هشتم هجرت و یکی از دقائق این عمل آنت که طالع وقت را هم باید نوشت یعنی برجیکه در آن ساعت طالع است و کرب که آن برج خانه اوست باید نوشت

مثل ساعت اول روز دوشنبه بوده که سؤال را نوشتیم حساب کردیم آفتاب در برج جدی بوده و جدی خانه مدخل است پس از عمل را نوشتیم = عمل هفتم = آنت که آن حروف را بتدبیر مثل حروف سؤال بکنند در عدد که بهر قدری که حروف سؤال است حروف اساس نیز بهمان عدد بشود و حروف اساس آنحروف را گویند که از مد اخل اربعه و از تاریخ بهم رسیده باشد =

عمل هشتم = آنت که این حروف اساس را نظیره کند و نظیره آنت که حرف پانزدهم ابجد را باید نوشت

عمل نهم آنت که این حروف نظیره کرده را صدر ماخر باید کرد که آنها تکیه گویند عمل دهم آنت که این حروف تکیه کرده را مستحصله باید کرد و قاعده آن این است که محتاج است بچهار دایره که ترتیب داده میشود که مراتب دو از آنت که اول ابجد دوم ابث سوم اهطم چهارم ایغ و یکی دیگر که محتاج الیه است در مستحصله طرح است و طرح ما چهار است

طرح ابجد - که ۲۱ - ۲۸ میباشد که مراد طرح حروف است

طرح ابث - که ۱۲ - ۱۲ میباشد که مراد طرح بروج است

طرح کواکب - که ۷-۶ میباشد که مراد طرح کواکب است -
 طرح ایفغ - که مراد طرح عناصر است آن طرح چهار است
 پس معلوم شد که عملی که در مستحصله باید بشود چهار دایره است
 و چهار طرح که هشت میشود و هشت دانه عمل که در اساسی شده هفده
 میشود و یازده عمل دیگر آن مانده است که اول باید میرانی حاصل
 شود که هر یک از حروف خازنه را یکی از آن حروف میزان بنسیم -
 یعنی عدد آنرا ضمیمه کنیم و میزان چهار است از آنکه بگیرد از بیض
 سوال برداریم و یکی از مدخل اربعه و یکی از طالع وقت و یکی
 از تاریخ هجرت مجموع عمل در حروف میزان باشد تا جواب در آید
 و مرتب آن امنیت یعنی مدخل بگیر مجموعی حرفی برداریم
 باین طریق که بلا مرتبه نموده حروف را دوم از مدخل اربعه حرفی برداریم
 بدین طریق که بلا مرتبه نموده مراتب مدخل را - سوم طالع وقت را که
 در عمل ششم تریخ دادیم نیز بلا مرتبه باید نوشت چهارم تاریخ هجرت
 را بلا مرتبه باید کرد - و بلا مرتبه آنست که آحاد و عشرات و مئات و الوف
 همه را باید آحاد حساب کرد مثلاً ۱۱ ایفغ را چهار حساب میکنیم
 بر میزان و حروف آن معلوم شد برای مستحصله پس هجده عمل

در مستحصله شد ۸ دایره - ۵۵ و طرح و ده اساس و میران میزرد
 عمل دیگر باقی ماند از بنیث و هشت عمل و آن ده عمل مراد از
 مرتبه و درجه و عدد سطور و صفحه و خانه است و چهار از عمل
 عدد سطر و صفحه و جزو خانه است و عدد آن امنیت که حرف
 اول یکی است دوم سه سیم شش و عمل نوزدهم است که
 دایره ا هظم را مینویسیم در عدد سباعی و رباعی که چهار سطر
 حاصل شود سطر اول مرتبه اول - ا ه ط م ف ش ذ سطر دوم
 مرتبه دوم ب و ی ن ص ت ض سطر سوم مرتبه سوم
 ج ز ک س ق ث ظ سطر چهارم مرتبه چهارم د ح ل ع ص خ غ
 و مراد از دور عدد از این دایره آنست که هر عددی را در سطر
 مرتبه باید قرار داد
 حرف اول خانه را از سطر اول - ا ه ط م ف ش ذ
 حرف دوم خانه را از سطر دوم - ب و ی ن ص ت ض
 حرف سوم خانه را از سطر سوم - ج ز ک س ق ث ظ
 حرف چهارم خانه را از سطر چهارم - د ح ل ع ص خ غ
 باید گرفته شود و اگر مرتبه حروف از این قسم درست نشود باید
 مرتبه او را گرفت بهم درجه شدن آن مطلوب گرفتن و مطلوب گرفتن
 است که سطر آحاد را با سطر مئات که مراد آنست که سطر

اه ط م ف ش ذ - مطلوبش - ج ن ک ص ق ث ظ است
 وسط عشران که - ب و ی ق ص ت ض میباشد
 مطلوبش - د ح ل ع ر خ غ است
 و عکس آن - پس چهار محل دیگر باقی مانده اند که محل
 و انزده محل که شش در دایره ایجاد بوده که مراد دایره اھظم
 باشد و چهار محل دیگر از ۲۸ محل باید اند دایره ایقغ)
 که مراد دایره ایقغ باشد باید درجه حروف از درست دان
 دایره انزده الف تا ط باید نوشت و یا را تا صاد باید نوشت
 و قاف را تا ظ و نیز آن دایره (هبشخ) باید قرار داد
 و حرفی را که بعد از طرح و عدد میزان و عدد سطر و صفحہ و خانه
 بر روی هم گذارد حرفی که حاصل شد ترقی و تنزل و مساوات
 در این دایره بدهد و هرگاه باز درست نشد عکس آنرا گرفته
 هر حرفی که بشود بنویسد و ترقی و تنزل قاعده اش آنت که
 در دایره ایقغ از احاد بر روی عشرات روی بعشرات روشن
 ترقی است و از نآت روی با احاد آمدن تنزل است میزان

که (هبشخ) باشد از احاد روی بعشرات و مآت و الوف ترفع
 است و از الوف روی با احاد آمدن مساوات است و عکس
 گرفتن آن عبارت است از آنکه حرفی که در سطر احاد است می
 بیند در چندم طرف میزان (است تمام شد) آن طرف دیگر مقابل
 آن حرف را بگیرند و مینویسند (تمام شد قاعده سوال جواب
 انرجفر جامع از قاعده محمود دهدار)
 و آن شش محل که در دایره اھظم است که چهار مرتبه و دو دیگر
 اند و اوج طالب اند و اوج و افراد طالب افراد

ا	ب	ج	د
ه	و	ز	ح
ط	ی	ک	ل
م	ن	س	ع
ف	ص	ق	ر
ت	ث	خ	غ
ذ	ض	ظ	غ

ا	ی	ق	غ
ب	ه	ک	ن
ر	ت	د	م
ج	ل	ش	و
س	ح	ف	ت
خ	ز	ع	ذ
ض	ط	ص	ظ

ا	ب	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط
ی	ک	ل	م	ن	س	ع	ف	ص
ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ
				غ				

تسمی حروف مساوات

حروف ترتیب با اعداد آن

حروف مساوات	حروف ترتیب	حروف ترتیب	حروف ترتیب
۱	۱۲۰	۱۲۰	۱۱۰
۲	۱۶۰	۱۶۰	۵۸
۳	۲۰۰	۴۰۰	۲۴
۴	۶۰۰	۸۰۰	۱۶
۵	۱۰۰۰	۱۲۰۰	۲۴
۶	۱۴۰۰	۱۶۰۰	۳۵
۷	۱۸۰۰	۲۰۰۰	۱۱۰

در اوائل جفر خافیه حضرت امام جعفر الصادق علیه السلام
میفرماید - یا عبد بندگانم که الحروف خزاینی فاذا دخلت علی خزاینی
لا تجر احدًا مائک دخلت خزاینی و الا وانت خاین علمی
حقیقی است در سیند بود - درسی نبود هر آنچه در سیند بود

یک تا عدد جفر است بقاعد عربی

و هذا هذه مثال الزايرجه (سئلنا هذا السؤال) هل محمد يقضي
طلبي ام لا) وكان يوم الاحد عشرة من شهر العربي والشمس لع
درجات من برج الثور وكان رب الساعة القراء تم ضربنا تحت الرمل
واخذنا حروفه وهي : درك ظ ع م درم ل ع م ن ر ث غ ج ن
هوش اف ام درم) وكان العمل هكذا

- عدد
۱۱۷۰ جمله السؤال
۳۹۷۹ جمله حروف تحت الرمل
۳۷۱ جمله اسم رب الساعة
۴۴ جمله اليوم
۴۶ جمله درج الشمس من اول الحمل
۱۰ جمله الماضي من شهر العربي

الجميع ٥٦١٣

والباقى بعد القسمة على ٣٣ هو ١٦٧
الاول واليك صورة الاوافق الحسد والمحصلة صفحته

(سوال اربع علم السیر)

ی ا ع ل ی م ا ک س ی ج ه ج ی ن ا س ت
با علم السیر چه چیز است

عدد کبیر	بلا مرتبه	عدد و سبب	طرح زکلی	عدد حروف	نقاط
۹۰۱	۵۵	۹۱	۱	۱۸	۱۳

نظیر الجدی

حروف شیر مکرر

الف ظ ه ن و ص ح ی ج م
صضج م فغ روح ی ح م

متحصله (ج و ت اس ج اص ف راغ

صدر مؤخر

فج او ر ت ف اص س ا ع

نظیر الجدی

ن ف س روح ج س د اس ن

جواب (نفس روح جسد است

اول	دوم	سوم
۱۶ ۲۱ ۱۴	۱۲ ۱۷ ۱۰	۱۲ ۱۷ ۱۰
۱۵ ۱۷ ۱۹	۱۱ ۱۳ ۱۵	۱۱ ۱۳ ۱۵
۲۰ ۱۴ ۱۸	۱۶ ۶ ۱۴	۱۶ ۹ ۱۴

داع	خامس	متحصله
۸ ۱۳ ۱۴	۴ ۹ ۲	۵۲ ۷۷ ۴۲
۷ ۹ ۱۱	۳ ۵ ۷	۴۷ ۵۷ ۶۷
۱۲ ۵ ۱۰	۸ ۱ ۶	۷۲ ۳۷ ۶۲

والعلم ان نزول الأوفاق موضوع في شرح الزايرجه (۱۷۱)

واليضاً طريقة الأسقاط واليك سطر البواقي للمتحصله اي
باقي الأسقاطات وتحتة وتره المنسوب اليه وهو وتر
ومن جمعهم يكون الجواب ۲۲۱۳۹۲۳۷۴۲۵۲۱۱۲۷۶۶۲۲۱۱

الوتر ۸۲۰۱۶۲۶۱۲۸۹۲۲۵۱۱۷۲۷۱۹۴۶۴۲۴۱۷۲۱۱۴

(الجواب) س ت ق ن ي ل ك ك ل ال م ط ا ل ب ي ا ق ت ي
(ستقضى لك كلاً للمطالب يافتي)

منازلی ۲۱-۲۱- طرح درجات ۳۰-۳۰ آنچه زوج است حروف
 غیر مکرر جسم مجموع سکرر و غیر مکرر حروف ترفع بدوح یلن
 چون ترفع دهم) و ح ی ل ن ع ص حروف ترقی ع ص رت
 خ ض خ چون ترقی دهم ص رت خ ض غ ظ حروف ۲ تنزل
 ظ ذ ث ش ق ف س چون تنزل دهم ذ ث ش ت ف س م
 حروف مساوات) م ک ظ ز ه ج ا چون مساوات دهم م ک ط
 ن ه ج ا حروف النار الطالب ا ه ط م ف ش ذ حروف الهواء
 المطلوب) ب ر ی ن ص ت ض حروف الماء الطالب ح ن
 ک س ق ث ظ حروف التراب المطلوب د ح ل ع ر خ غ
 ترقی با ترفع هم تنزل با مساوات بقسمت چار کن بر حرف خود
 بجای خود گذار از بهر درمان = چنان قسمت کردانی رخاچ
 کردانی را اهل قسمت آن = تو بدو ح بین راده ترفع =
 عصر تخضع ترقی ده دو چند ان = تنزل ظا و ذال و ثا و شفقس
 مساوات اجهر طاکم داخل آن چو دانستی
 سؤال هر چه خواهی کن بشو جواب خود تو آسان

قاعدہ) بعد از آنکه سؤال را از اسماء الله کردی پس مجموع
 را مقطع بنویس اصول خمسہ پس ترقی بدو حروف ترقی را و ترفع
 دو حروف ترفع را و تنزل دو حروف تنزل را و اگذار حروف
 مساوات را بحال خود بعینہ نقل کن پس مطلوب هر یک را در پیش
 بنویس نظیر ابجدی بکیر پس چهار سطر حاصل شود آنکاه خالص
 کن و مزج ده پس مسروری و مکتوبی و ملفوظی را جدا بکن
 مبسوط بدو پرسته حروف بر چین از هر یک و خالص کن و مزج
 ده و بروج نفس جسمش را زنده کن و در تکیر باوی سخن
 کن ناطق میآید اصول خمسہ جمع کیر جمع و سبط جمع صغیر عدد
 حروف عدد نقاط و حروف ملفوظی این است
 ا ج د ک س ع ص ق ش ذ ض مکتوبی اول عین آخر م ن
 و حروف مسروری) ب ه و ط ظ ح خ ی ف ث ر ت -
 و دو پرسته بدینقرار است طرح اول عناصری ۴-۴ طرح
 کواکی ۷-۷ طرح افلاکی ۹-۹ طرح بروجی ۱۲-۱۲ طرح

قاعدۀ سؤال — ابن المهدی - بحل الله فرجه الشريف

مدد مدخل كبير - عدد وسيط مجموعي - وسيط - صغير

١٥٢	٢٥	١٦	٧
ان ق	م ك	وي	ن

الحروف المستخرجة من الأعداد السؤال

ان ق م ك وي ر

النظرية الأبدية ش ر خ م ق ذ ن ر خ ش

العواء خ ي ن غ ع ب ش ج

ايضا نظير ي خ غ ق ب غ ا ف

المكالم الجواب غ ا ي ب ع ن خ ف

غايب عن حقب

(سؤال) يارب كيف يمضي عواقب هذه السنة الآتية

بارسي، نيل من جهة اهل الأيران من المجر والشرو والتفيع الفرض

مدخل كبير	وسيط مجموعي	وسيط كبير	صغير
-----------	-------------	-----------	------

٧١٣٣٣	٤٥٥	٧١٦	٥
ج ل ق ن غ	ه ن ت	وي ذ	ه

المحركات عدد السؤال هكذا

ج ك ق ن ر غ م ن ت وي ذ ه

نظيره ف ض م ش ن ق خ ح ر غ ك ن

التعوي ض ح ت ج و غ ق ع ك س ر ر غ

نظيره ل ث ح ك م ن ه ب ذ ا و ن

المركب ول ا ف ر ح ب ه ذ س ن ت

الجواب

ولا فرح بهذه السنة

اي ق غ ب ك م ر ج ل ش د م ر ت ه

ن ث و س غ ن ر ع ذ ج ف ض ط ص ظ

الضأ سؤال

كيف يمضي هذه السنة الاية لكل المخلوق الايران

مدخل كبير	وسيط مجرى	وسيط كبير	صغير
۲۸۱۴	۱۱۵	۳۱۵	۷
ک ی ض ج غ	م ی ق	م ف ش	ن

حروف التوليد
 لظيرة
 قوی
 نظيره
 مركب

د ی ض ج غ م ی ق م ف ش ن
 ص خ ل ف ن ق خ م ق ج ن ش
 ط س ج ض م غ و ث ی ل ع ج
 م ا ف ل ق ن ر ع خ ض ب ق
 ل ا ف ر ع م ن خ ف ق ب ض

لا فرح من خف قبض

النظير الأبدية

اب ج ده و ز ح ط ی ک ل م ن
س ع ف ص ق بر ش ت ث خ ذ ض ظ غ

در تسخیر جن (اذ قال ربك للملائكة اتي جاعل في الارض خليفة قالوا اتجعل فيها من يفسد فيها ويهلك الدماء ونحن نسبح بحمدك ونقدس لك قال اتي اعلم ما لا تعلمون —

بعد از طهارت کامل در شب جمعه شروع نماید تا ده شب هر شب
 ده لوبت آیه فوق بخواند — و ده شب دیگر هر شبی ۱۹ صدت
 مرتبه بخواند و ده شب دیگر هر شبی ۳۵۰ سبید و پنجاه مرتبه بخواند
 تا شب چهارم روز چهارم بصره را رود در کنار آب روان بنشیند
 و بخواند حاضر خواهند شد (بجهت احضار و روتی و مانین)
 اسم مبارک الله را که عددش ۷۷ میباشد مانند مثلث ذیل درج کند
 و مثلث را در مقابل روی خود و بقبله بگذارد در سه روز و سه شب بگوید
 و ترک حیاتی نماید و بعد از اتمام دعای مجرب است که در اسبند و سن
 لادن حسن بیان مشک در آتش بسوزاند تا هزار مرتبه با زجر و حضور قلب
 بخواند (الله هو) شب اول قدمی سنگین بپوشد شب دوم قدم مرغی بشوید شب سوم
 در عالم شهود کاملاً با آنها تکلم نماید (در خواب دیدن در شب ۱۴ ماه)
 در کف دست نوشته را بگذارد زیر سر و بر و بقبله بخوابد
 كذلك نرى ابراهيم ملكوت السموات والارض وليكون من المرسلين

فانحص برزگی سفر ما بد قریب سی سال مشغول ذکر کردیم بهر کسی
 میر رسیدم ذکر تجرب و کافی طلب نمودم - روزی در جمع خدمت
 فقیری رسیدم و با او مشغول صحبت شدم اسمش اسد الله منی
 حضرت شاه اولیاء علیه السلام و از سلاله دودمان مصطفوی علیه السلام
 فقیری با صدق و صفا در ویش با محبت و وفاسالک مسالک سبیل اللری
 و اثر پیروان سلسله جلیله نعمت اللری خدمت استادان ماقبل رسیده
 و مرشدان کامل بحار دیده و ریاضت ها کشیده و با طرف و اکناف
 عالم تا حد و خارزم و چین و ماچین گردیده دست ارادت خدمت محرم
 پرور نور علی شاه نور الله مضعده دارد - دیدم عجب مرشدی و نیک
 استادی است طوق انقیادش بگردن انداختم و کمر اطاعت بر میان
 بستم و دامن خدمتش بر کمر بستم استاد عالی ذکر می در چارم مطلبی
 از او کردم و عدد ذکر دود روز بعد از آن دستخطی نوشته بر اتم
 فرستادند نوشته بود که در شب جمعه نصف شب اول یکصد مرتبه
 صلوات بفرستد بعد یکصد مرتبه (یا وهاب) بگوید بعد دوباره یکصد
 مرتبه صلوات بفرستد بعد از آن یکصد ده بار این ذکر را بخواند
 یا تاهرا العذو و یا الی الوالی یا مظهر العجایب یا مریضی علی اما باید
 دستها را تا مرفق بالا نموده و دستها را بلند نماید تا سه شب ادامه دهد
 یا در خواب یا در بیداری ماه چله را اسبکونید والسلام

تا عدد چنان است سؤال را یعربی نوشته و مد اخل اربعه
 گرفت و اعداد مد اخل اربعه ۷ ا حروف نموده و بر نام کشیده
 و بعداً نظیره ابجدی هر حرف داد تحت آن حروف نوشته
 تا آنکه نظایر حروف مرقومه شود و بعد رجوع بد این قوای
 حروف نموده مطلوب هر حرف حاصل داد زیرا آن حروف
 مرقوم داشته و بعد تا نیا نظیره ابجدی آن حروفات قوای
 گرفته و حروفات مرکب نموده که جواب حاصل است -

۱	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۲۰	۳۰	۴۰	۵۰
س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	ج	ذ	ض	ظ	غ
۶۰	۷۰	۸۰	۹۰	۱۰۰	۲۰۰	۳۰۰	۴۰۰	۵۰۰	۶۰۰	۷۰۰	۸۰۰	۹۰۰	۱۰۰۰

ادلاً باید مطلب را مختصراً بطور سؤال نوشت و بقا عدد
 اعداد ابجد کبیر سؤال را باید عدد گرفت ابجد کبیر بالا است

سؤال ما بطور اختصار این است (امام زمان کیت)
 بحساب ابجد سؤال را عدد گرفتیم ۶۷ شد باصطلاح این
 علم این عدد مدخل کبیر است بعد باید حروف سؤال را قام
 رد با حاد نمود از عشرات و مآت و الوف مثلاً الف را یک و
 میم را ۴ و کاف را ۱۱ و ش را ۳ و غین را یک باید گرفت -
 حروف سؤال را باین قاعده عدد گرفتیم ۶۷ شد این مدخل
 وسط مجموعی است بعد باید حاصل جمع کل سؤال که همان
 مدخل کبیر باشد الوف آنرا در مآت و مآت آنرا در
 بعشرات و عشرات آنرا در با حاد و آحاد آن همان آحاد
 باشد حساب نمود تا مدخل وسط کبیر بدست آید مدخل کبیر
 ما ۶۷ بود باین قاعده مدخل وسط کبیر ما ۷۹ میشود مآت
 که ۶۰ بود و بعشرات نمودیم ۹ شد و عشرات آن که هفتاد بود
 در با حاد نمودیم ۷ شد مجموع ۶۷ شد این مدخل وسط کبیر
 است مثلاً اگر مدخل کبیر ما ۶۷۲ بود مدخل وسط کبیر ما ۹۴ می شد

این مثال را در دیم برای آنکه اگر مدخل کبیر آحاد هم داشته
 باشد باید حساب نمود و اینطور عمل کرد -
 بعد باید مدخل وسط مجموعی را در با حاد نمود تا مدخل صغیر
 بدست بیاید - مدخل وسط مجموعی ۱۴ بود در با حاد نمودیم
 ۱۸ شد اگر ۱۸ بود می شد قاعده پیدا کردن این چهار مدخل
 این بود که نموده شد بعد باید عددها را حرف نمود بقاعده ابجد
 باین قسم که ما نوشته ایم

مدخل کبیر - مدخل وسط مجموع - مدخل وسط کبیر - مدخل صغیر

۶۲۰	۱۴	۶۷	۴
ع خ	م	ز س	د

حروف این چهار مدخل را جمع نمودیم این شد ع خ م ز س د

بعد باید بسط ملفوظی نمود و قاعده این است که حروف را بطریقی
 تلفظ میشود باید نوشت مثلاً ع را عین باید نوشت ما حروف مدخل
 ها را بسط ملفوظی نمودیم چنین شد (ع ی ن خ ا م ی م ز ا س ی ن
 د ا ل - این سطر که سطر اول است سطر اساس گویند باصطلاح
 این علم سطر دوم سطر نظیره است و عمل آن چنین است که حروف

سطر اساس که سطر اول باشد بدایره ابجد ببرند و نظیره بگیرند
 ودایره ابجد این است که نوشته میشود در دو سطر قاعده نظیره
 گرفتن است که هر حرفی حرف پانزدهم آن نظیره آن حرف است مثلاً
 الف مبین است و نظیره ب مبین است و همینطور تا آخر نظیره (ن) مبین است

ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	ع

سطر اساس که سطر اول سوال بود بدایره ابجد نظیره گرفتیم
 این شد

۱	سطر اساس	ع	ی	ن	خ	ا	م	ی	م	ز	ا	س	ی	ن	د	ا	ل
۲	سطر نظیره	ب	ع	غ	ی	س	ظ	خ	ظ	ش	س	ا	خ	غ	ص	ص	ض

سطر سوم نسبت بین الحروف است و قاعده چنان است که کلیه
 حرفهایی که در سطر اساس نوشته شده رد با حاد نمایند آنگاه
 حرف اول سطر اساس را با حرف دوم سطر اساس پس از آنکه
 از حراتب خود انداخته و با حاد رد نمود - اگر عدد این دو حرف

با هم متباین باشند یکی را در دیگری ضرب نمایند و اگر با هم متداخل
 باشند اکتفا با قل عدد بکنند و اگر با هم متوافقند و فوق یکی را در
 دیگری ضرب نمایند و اگر با هم متعادل اند اکتفا به احد عددین بکنند
 و آنچه عدد از احد اقسام اربعه حاصل میشود زیر حرف اول
 سطر اساس بپند سه بنویسد یعنی در خانه اول سطر سوم -

پس آنگاه حرف دوم سطر اساس را با حرف سوم سطر اساس
 ملاحظه نماید و از نسبت بین آنها آنچه عدد حاصل میشود در خانه
 دوم سطر سوم بنویسد پس حرف سوم سطر اساس را با حرف چهارم
 سطر اساس ملاحظه نماید حاصل آنرا در خانه سوم سطر سوم بنویسد
 پس حرف چهارم سطر اساس را با حرف پنجم سطر اساس ملاحظه نماید
 حاصل را در خانه چهارم سطر سوم بنویسد در آخر سطر یک حرفی ماند
 که حرف آخر سطر است آن حرف را با حرف اول سطر اساس ملاحظه

نماید و حاصل را در خانه آخر سطر سوم بنویسد
 و جهت آسانی مطلب برای پیدا کردن نسبت بین الحروف مراجع
 بجدول زیر صفحه میتوان بدست آورد و قاعده آنست که حرف اول سطر
 اساس را با حرف دوم سطر اساس پس از آنکه رد با حاد نماید

(در علم جفر)

خانه هفتمها الیه افقی و عمودی حاصل آنت آن عدد را بردار
 مثلا حرف اول سطر اساس (ع) و حرف دوم (ی) بود در جدول
 سطر هفتم افقی و سطر اول عمودی حاصل لا بود در خانه اول سطر
 سوم می نویسیم همین حرف دوم سطر اساس (ی) بود و حرف سوم
 سطر اساس (ن) در جدول سطر اول افقی مطابق سطر پنجم عمودی
 حاصل ۵ بود در خانه دوم سطر سوم می نویسیم و جدول حاصل نسبت
 بین الحروف این است

	ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط
ا	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
ب	۲	۲	۶	۲	۱۰	۳	۱۴	۴	۱۸
ج	۳	۶	۳	۱۲	۱۵	۳	۲۱	۲۴	۲
د	۴	۲	۱۲	۴	۲۰	۶	۲۸	۲	۴۶
ه	۵	۱۰	۱۵	۲۰	۵	۳۰	۳۵	۴۰	۴۵
و	۶	۳	۶	۳۰	۶	۶	۴۲	۱۲	۹
ز	۷	۱۴	۲۱	۲۸	۳۵	۴۲	۷	۵۶	۶۳
ح	۸	۴	۲۴	۴	۴۰	۱۲	۵۶	۸	۷۲
ط	۹	۱۸	۲	۳۶	۴۵	۶	۶۳	۷۲	۹

(در علم جفر)

سطر چهارم آنستکه حروف سطر نظیره را که سطر دوم باشد یا دیگر
 نسبت داده و حاصل نسبت را بنویسد بطریقیکه در سطر اساس
 گذشت مطابق جدول عمل نماید از تباین و تداخل و توافق و تقابل
 مثلا حرف اول سطر نظیره ب و حرف دوم خ است خ را برد باحاد
 میباشیم و میشود - در جدول سطر دوم افقی مطابق سطر هشتم
 عمودی عدد ۹ نوشته شده در اول سطر چهارم ۳ بنویسیم حرف
 دوم سطر نظیره غ و حرف سوم خ است در جدول در سطر هشتم
 افقی مطابق سطر اول عمودی عدد ۹ نوشته شده در سطر چهارم
 خانه دوم و بنویسیم هم چنین الی آخر - و حرف آخر سطر نظیره ض
 و حرف اول نظیره ب است در سطر هشتم عمودی جدول مطابق
 سطر دوم افقی یا بعکس در سطر دوم افقی مطابق سطر هشتم عمودی
 عدد ۴ است در خانه آخر سطر چهارم عدد ۴ بنویسیم و ما بجهت
 روشن بودن مثال پیدایش سطر سوم و چهارم را بنویسیم تا واضح شود

۱	سطر اساس	ع	ی	ن	خ	ا	م	ی	م	ن	ا	س	ی	ن	د	ا	ل
۲	سطر نظیره	ب	غ	خ	ی	س	ظ	خ	ظ	ش	س	ا	خ	ع	ص	ص	ض
۳	حاصل نسبت	۷	۵	۳	۴	۴	۴	۴	۴	۲۸	۷	۶	۶	۵	۴	۳	۲۱
۴	حاصل نظیره	۳	۱	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۳	۳	۶	۶	۶	۶	۲	۴

سطر پنجم آنستکه سطر حاصل از نسبت اساس که سطر سوم باشد با سطر حاصل از نسبت نظیره که سطر چهارم باشد ملاحظه نموده عدد اقل هر يك از این دو سطر را از عدد اکثر طرح نماید آنچه باقی ماند زیر آن در سطر پنجم بنویسید در واقع خانه اول سطر سوم را با خانه اول سطر چهارم به بنید هر کدام عددش کمتر است از آنکه عددش زیاد تر است تفریق کند باقی مانده را زیر همان خانه در سطر پنجم بنویسید همین تمام خانه ها را عمل کند تا سطر تمام شود و هرگاه دو خانه عددش مثل هم باشد هر دو عدد را جمع کند و حاصل جمع را بنویسد و این سطر که سطر پنجم است سطر نهم گویند —

سطر ششم به قاعده آنستکه حرف اول سطر اساس را با حرف زیر آن که اول سطر نظیره باشد ملاحظه نموده و با یکدیگر نسبت دهد مثل سطر سوم و چهارم مطابق جدول عمل نمایند مثلاً حرف اول سطر اساس که ع بود و حرف اول سطر نظیره که ب بود نسبت دادیم مطابق جدول حاصل نسبت آنها که ۱۴ شد در اول سطر ششم نوشتیم و باقی خانه ها را همین طریق عمل نماید —

سطر هفتم آنستکه آنچه عدد در خانه دوم سطر ششم است در خانه اول سطر هفتم نویسد و آنچه عدد در خانه سوم سطر ششم است در خانه سوم سطر هفتم نویسد الی آخر سطر و در خانه آخر سطر هفتم عددی که در خانه اول سطر ششم است نویسد —

سطر هشتم آنستکه عدد این دو سطر که سطر ششم و سطر هفتم باشد با یکدیگر ملاحظه نماید آنکه کمتر است از آنکه زیاد تر است کم نماید و باقی مانده را در این سطر نویسد و هرگاه دو خانه عددش مثل هم باشد با یکدیگر جمع نماید و حاصل جمع را بنویسد پس ایش این سطر مثل سطر پنجم است که شرح آنرا نوشتیم و این سطر دهم گویند

سطر نهم - قاعده آنستکه همین سطر نهمه ثانیه را با سطر نهمه اولی یعنی سطر هشتم را با سطر پنجم ملاحظه نماید عدد اقل را از عدد اکثر طرح نماید یعنی هر کدام کمتر است از آنکه زیاد تر است تفریق نماید و ما باقی را در سطر نهم بنویسد و هرگاه دو عدد مثل هم باشد با هم جمع نماید و حاصل جمع را بنویسد تا سطر تمام شود و ما بجهت مثال در صورت مقابل سوال خود را از سطر اول تا سطر نهم می نویسیم که بجهت مبتدی سر شش بود باشد

۱	س	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲	۴۳	۴۴	۴۵	۴۶	۴۷	۴۸	۴۹	۵۰																						
	ا	ب	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن	س	ع	غ	ف	ق	ص	ح	ز	س	ش	ذ	ط	ع	س	ح	غ	ف	ق	ص	ح	ز	س	ش	ذ	ط	ع	س																		
۱	سطراس	۲	سطرانظره	۳	سطرحاصلانظره	۴	سطرحاصلانظره	۵	سطرحاصلانظره	۶	سطرحاصلانظره	۷	سطرحاصلانظره	۸	سطرحاصلانظره	۹	سطرحاصلانظره	۱۰	سطرحاصلانظره	۱۱	سطرحاصلانظره	۱۲	سطرحاصلانظره	۱۳	سطرحاصلانظره	۱۴	سطرحاصلانظره	۱۵	سطرحاصلانظره	۱۶	سطرحاصلانظره	۱۷	سطرحاصلانظره	۱۸	سطرحاصلانظره	۱۹	سطرحاصلانظره	۲۰	سطرحاصلانظره	۲۱	سطرحاصلانظره	۲۲	سطرحاصلانظره	۲۳	سطرحاصلانظره	۲۴	سطرحاصلانظره	۲۵	سطرحاصلانظره	۲۶	سطرحاصلانظره	۲۷	سطرحاصلانظره	۲۸	سطرحاصلانظره	۲۹	سطرحاصلانظره	۳۰	سطرحاصلانظره

در بیان سطر دهم که سطر حروف دوریه است - و آن چنانست که عدد
 سطر پنجم از سطر نهم را اگر سطر نهم باشد تبدیل بر حرف نماید و سطر دهم را
 بنویسد و قاعده چنانست که آن عدد را ملاحظه نماید اگر تمام است مثل
 ۱۰ و ۲۰ و ۳۰ و ۴۰ و ۵۰ و ۶۰ و ۷۰ و ۸۰ و ۹۰ و ۱۰۰ و ۱۱۰ و ۱۲۰ و ۱۳۰ و ۱۴۰ و ۱۵۰
 و ۱۶۰ و ۱۷۰ و ۱۸۰ و ۱۹۰ و ۲۰۰ و ۲۱۰ و ۲۲۰ و ۲۳۰ و ۲۴۰ و ۲۵۰ و ۲۶۰ و ۲۷۰ و ۲۸۰ و ۲۹۰ و ۳۰۰
 و ۳۱۰ و ۳۲۰ و ۳۳۰ و ۳۴۰ و ۳۵۰ و ۳۶۰ و ۳۷۰ و ۳۸۰ و ۳۹۰ و ۴۰۰

ابجد کیرهست آن حرف را از ابجد کبیر بردارد و زیر آن
 بنویسد و اگر بحساب مراتب حروف حرف بچهل کبیر ابجدی
 نباشد مثل یازده و دو و از ده و سیزده الی نوزده و بیست و یک
 و بیست و دو و بیست و سه الی بیست و هشت اینجا باید حرف آن
 عدد را بقاعده جعل وضعی که ابجد وسط است بردارد و زیر
 آن نویسد و ابجد وضعی که آنرا جعل وسط نیز گویند این است

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
ا	ب	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸
س	ع	ف	ق	ص	ح	ز	س	ش	ذ	ط	ع	س	ع

و اگر عدد زیاده از بیست و هشت باشد مثل بیست و نه و سی و یک
 و سی و دو الی سی و نه و هکذا چهل و یک الی چهل و نه و پس علی هذا
 که نه در ابجد کبیر و نه در ابجد وضعی پیدا شود آن عدد را باید
 باین قاعده عمل نماید - عشرات آنرا نه در طرح کند باقی مانده
 عشرات را با آنها جمع نماید و بعد ابجد وضعی برده حروف بگیرد
 مثلاً بمقتضی عمل مذکور بیست و نه عدد را عشرات آن که بیست است

که نه طرح میانیم ~~یا نه~~ د و باقی میماند دورا بانه که احاد آنت
منظم میانیم یازده میشود - در ابجد وضعی یازده حرف ک است بر میدیم
و مینویسیم مثلاً سی و یک ۱۰۹ از سی ۹ طرح میانیم سه میماند باین میشود
چهار حرف د را مینویسیم مثلاً سی و دو - از سی پس از طرح ۹۰۹ سه میماند
با دو جمع میکنیم بشود پنج حرف ه مینویسیم ما بجهت روشن شدن مطلب
سطر نهم این سوال را تبدیل بحرف میانیم بهین قاعده که ذکر شد و سطر
دهم را استخراج میانیم این است -

سطر نهم	۴	۲	۲۸	۲۸	۲۸	۲۴	۲۸	۲۸	۲۸	۱۱	۱۱	۲۴	۲۴	۳	۲۰	۲۸	۹	۷
سطر دهم	د	ب	خ	خ	خ	خ	خ	خ	غ	غ	ی	ک	خ	ب	ص	غ	ط	ز

پس از آنکه اعداد که در سطر نهم است بحرف مبدل شد و سطر دهم
تنظیم گردید بدانکه هر حرفی را چهار حرف لازم است که آنرا حرف
دوریه گویند و آن تنزل و ترقی و ترفع و مساوات آن حرف خواهند
بود و آن چنانست که هر حرفی از حروف ابجدی حرف ما قبل آن
حرف تنزل آنت و حرف ما بعد آن ترقی آنت و اگر آن حرف بر تریه
احاد است حروف مشرقیه و ما تیه آن حرف ترفع و مساوات
آن حرف خواهند بود - مثلاً حرف (ب) الف تنزل آن و

جیم ترقی آن - و - و - ترفع آن و ک مساوات آنت و دور تمام
حروف از این دایره که دایره ایقغ است معلوم میشود

ا	پ	ج	د	ه	و	ز	ح	ط
ی	ک	ل	م	ن	س	ع	ف	ص
ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ
								غ

و این دایره منقسم است بر افلاک تسعه و صورت ظهور حروف
از این دایره است که الف متداخل حرف حاصل اعداد نسبتی بوده
باشد ب بعد آن و ترقی آنت و غ علی القاعده در شماره دوری
می افتد و تنزل اوست وی و ق ترفع و مساوات آن خواهند
بود و ما بجهت تسهیل حروف ابجد را حرف بحرف جدا جدا دور
میدهم این دور را همین دایره ایقغ برداشته شده است و
اینست - در صفحه مقابل نگارش میاید -

ذ	خ	ث	ت	ش	ر	ق
و ز ج	و ن س	و ه ن	ج د م	ب ج د ل	ا ب ج ک	غ ا ب ی
ث	ت	ث	ر	ق	ظ	ض
م ن س	ل م ن و	ک ل م ج	ی ل ل ب	ط ی ک ا	ح ط ی ص	ز ح ط ف
ل	ک	غ	ظ	ض	ذ	خ
ر ش ت	ق ر ش ب	ص ق ر ی	ف ص ق ط	ع ف ص ح	س ع ف ز	ن س ع و
ق	ص	ف	ع	س	ن	ش
ط غ ا	ض ظ غ ط	ز ض ظ ح	خ ذ ض ز	ث خ ذ و	ت ث خ ه	ک ت ث د

ظاهرًا حرف ق چنین است ص ق ر و حرف ی چنین ط ی ک

(سطر یازدهم در بیان حروف قوا)

۱ پس از آنکه حروف دوریه را فرمیدی و رسم کردی آنکاه اصل حرف حاصل از اعداد نسبتیه که سطر دهم است ملاحظه کنند در ابجد وضعی چه عدد دارد آن عدد را ضبط بدارد و حروف مقابل آنرا از سطر اساس نگاه کند و آن حرف مقابل از سطر اساس را در دایره ابجد پیدا کند و از همان حرف بدون عدد نفس الحرف

بآن عدد وضع مضبوط که عدد حرف حاصل از اعداد نسبتیه است بدایره ابجد شماره بر توالی نماید اگر منتهی الیه در دایره ابجد حرفی از حروف اربعه دوریه آن حرف است فبها همان حرف را بنویسد قوای حرف حاصل از اعداد نسبتیه است و مراد بهمان است و اگر منتهی الیه عدد وضعی در دایره ابجد حرف خارج از حروف دوریه باشد مقصود نیست باید طرح کرد —

۲ این دفعه بهمان عدد وضعی مضبوط از حروف نظیره مقابل حرف اساس را در دایره ابجد بدون عدد الحرف از آنجا نیز بر توالی شماره نماید اگر منتهی الیه حرفی از حروف اربعه دوریه آن حرف است فبها و اگر حرفی خارج باشد باز باید طرح کرد —

۳ این دفعه حرف اساس مقابل را باز در ابجد پیدا کند بدون عدد نفس الحروف برخلاف توالی بهمان عدد وضع در دایره ابجد شماره نماید اگر منتهی الیه حرفی از حروف دوریه است فبها و الا طرح کند — این دفعه باز حرف نظیره را در دایره ابجد پیدا کند و برخلاف توالی بدون عدد نفس الحرف بهمان عدد وضع مضبوط شماره نماید اگر منتهی الیه حرفی از حروف دوریه است فبها و اگر خارج است باز طرح کند —

۵ این دفعه یک حرف را کم کند باین معنی که بدون عدد نفس الحرف بدون عدد ثانی نفس الحرف از حرف سیم حرف اساس بحسب ابجد در دایره ابجد بر توالی بهمان عدد وضع شماره نماید اگر منتهی الیه حرفی از حروف دوریه است فیها و الا باز طرح کند —

۶ این دفعه از خود نفس الحرف اساس در دایره ابجد شماره نماید بر توالی بهمان عدد وضعی که در معنی این دفعه حرفی در عدد زیاد کرده باشد اگر منتهی الیه حرفی از حروف اربعه دوریه است فیها و الا باز طرح کند —

۷ این دفعه حرف نظیره اساس را در ابجد پیدا کند و حرفی نیز کم کند و بدون عدد نفس الحرف و بدون عدد نفس الحرف ثانی از حرف سیم با خود حروف نظیره بر توالی شماره کند اگر منتهی الیه بحرفی از حروف اربعه دوریه رسیده فیها و الا باز طرح کند

۸ این دفعه از خود حرف نظیره در دایره ابجد بتوالی شماره نماید که حرفی زیاد کرده باشد اگر رسیده فیها و الا باز طرح کند

۹ این دفعه باز حرف اساس را در دایره ابجد پیدا کند

و یک حرف بر خلاف توالی کم کند و از حرف سیم اساس بر خلاف توالی شماره نماید اگر رسیده فیها و الا طرح کند —

۱۰ این دفعه از خود نفس الحرف اساس که یک حرف زیاد شده باشد بر خلاف توالی شماره کند اگر رسیده فیها و الا باز طرح کند

۱۱ این دفعه باز حرف نظیره اساس را در ابجد پیدا کند و از آن بر خلاف توالی حروف کم کند بهمان معنی از سیم حرف نظیره بحسب ابجد در دایره ابجد شماره نماید اگر رسیده فیها و اگر نرسیده باز طرح کند

۱۲ این دفعه از خود نفس الحرف نظیره که حرفی زیاد شده باشد بر خلاف توالی شماره کند اگر منتهی الیه حرفی از حروف دوریه اوست فیها و الا باز طرح کند آنگاه بطرح سته مشهوره عمل نماید —

- اول - طرح عنصری چهار چهار
- دوم - طرح کرکبی - هفت هفت
- سوم - طرح افلاکی - نه نه است
- چهارم - طرح بروچی - دوازده است
- پنجم - طرح منبازل - بیست و هشت است
- ششم - طرح دربی است

اول بطرح عنصری عمل کند از حرف اساس یا بر توالی یا بر

در بیان حرف حاصل که سطر دوازدهم باشد و در آن دو مقصد است - مقصد اول - در بیان حاصل او قبل از سؤال و در آن دو مقدمه است - مقدمه اول - آنست که باید در اول حین سؤال اسم روز یا شب وقت سؤال خود را با عدد ایام گذشته از ماه خود و اسم ماه و سال و آنچه از زمان هجرت تا آن وقت دفته است همه را بحروف مقطعه بنویسید و عدد کبیرا بجدی دوازده حرف بنویسید آنگاه تمام آن اعداد را بطریق خاندهای چهارگانه آحاد و عشرات و مئات و الوف جمع سازد و آن چهارخانه را مستنطق سازد -

باین معنی که حرف هر عددی را از ابجد کبیر بطریق که در گرفتن مدخل گذشت زیر آن اعداد بنویسید آنگاه عدد آن حروف را با آحاد آن روی حساب جمل صغیر یا بترتیب حرفی بآن عدد در جمل کبیر پیدا میشود آنحرف را بگیرد و بنویسد و هرگاه بآن ترتیب عدد در جمل کبیر یافت نشود از روی وضعی عمل کند و حرفی بگیرد و بنویسد این یک حرف حاصل از تمام تاریخ مقطعه حین سؤال است این حرف را باید داشت نماید بعد از آن ساعت وقت سؤال که مثلاً چند ساعت از روز یا از شب

گذشته بحروف بنویسد بعد طالع وقت را ببیند چه برجی از مشرق طالع است اسم آن برج را عدد بگیرد و جمع اعداد را حروف کند بطریقیکه در تاریخ گذشت -

بعد قرآن مجید را بگیرد با وضو پنج صلوات بفرستد و اگر فاتحه بخواند بهتر است و چهار مرتبه قرآن را باز کند و از صفحه دست راست حرف اول صفحه را بنویسد و اگر قرآن نباشد از تسبیح چهار مرتبه بگیرد یا بجبد وضعی برده حروف نماید بعد این چهار حرف را حاصل را بحسب استقاط مراتب با آحاد حساب نماید بعد و یک حرف نماید این حرف حاصل و در کوشه ضبط نماید مثلاً - سال هزار و دولیت و هشتاد و دو شب پنجشنبه سوم ماه شعبان - جمع تمام حروف ۲۲۹۴ حرف (صد ساعت ۵ حرف طالع وقت سنبله جمع آن ۱۴۴ حرف ل حروف قرآنی درج عدد حروف قرآنی ۱۴۴ حرفش (ن) صفحه حروف اربعه مرتب و مدافه ل ن) جمع آحاد آن ۱۴۴ حرف حاصل از این چهار حرف که حاصل اول است بی میباشد - مقصد دوم در بیان سطر دوازدهم که سطر حاصل صفحه اول سؤال است پس از آنکه سطر دوازدهم را نوشت حرف اول سطر قوا که سطر دوازدهم باشد و حرف اول

سطر اساس و حرف اول سطر نظیره با حرف حاصل از تار پنج و بیست و طالع و حرف قرآنی که همان حرف (ش) باشد که در بالای صفحه تعیین شد عدد این چهار حرف را از روی جمل صغیر یا اسقاط مراتب جمع نموده و بدایره الجبد وضعی برده بهر حرفی که رسید آن حرف را در اول سطر دوازدهم نویسد باز حرف دوم سطر قوا را با حرف دوم سطر اساس و نظیره همان حرف حاصل حساب نماید بطریق مذکور تا با الجبد وضعی برده بهر حرفی که برسد همان را در خانه دوم سطر دوازدهم نویسد و همچنین عمل نماید تا سطر تمام شود و ما بجهت مثال در اینجا مینویسیم

۱۰	سطر دهم	د	ب	غ	خ	غ	غ	غ	غ	غ	ی	ک	خ	ح	ب	۷	غ	ط	ز
۱۱	سطر نهم	ه	ک	ظ	و	ا	ظ	ی	ط	ی	ذ	ذ	ک	ق	ق	ق	ی	و	
۱۲	سطر هفتم	ل	ص	ع	ک	ذ	ک	ذ	ن	ف	ف	ل	ی	ز	ک	۷			

مثلاً حرف اول اساس (ع) بود عددش ۷ حرف اول نظیره ب بود عددش ۹ حرف اول قوا ۸ بود عددش ۵ حرف حاصلش عددش ۴ مجموع اعداد هفده شد با الجبد وضعی بحرف (ف) رسید

در اول سطر حاصل نوشتیم حرف دوم سطر اساس (ی) عددش یک حرف دوم سطر نظیره (غ) عددش ۲ حرف دوم سطر اساس (قوا) (ک) عددش ۳ حرف حاصلش عددش ۴ مجموع ۱۰ شد با الجبد وضعی ۱۰ است در خانه دوم سطر حاصل که سطر ۱۰ باشد نوشتیم و ما بقی خانه ها بدین قیاس است و این سطر سطر حاصل اصل و مهیای جواب است —

در بیان سطر سیزدهم که سطر مستحمله است و آن چنانست که حرف حاصل که سطر دوازدهم باشد باید دور بگیرد داد و مراد بدورگیری آنست که حروف اربعه دوریه که گذشت باضانه حرف نظیره حرف حاصل از دایره الجبد و ابنت و اهطم و اقیغ باید دور داد و بجهت واضح شدن مطلب ما حروف ۲۱ گانه داد دور بگیریم

حروف هوائی ب و ی ک ص ت ض	حروف ماری ا ه ط م ف ش ذ
حروف ترابی د ح ل ع ر خ غ	حروف مانی ج ز ک س ق ث ط

حروف ۲۸ گانه را دور میدهم

ض ق ج	ط و ر	غ ش ا	ک ت ب	س ش ز	س خ ح	ن ذ ه
غ ا ب	اب ج	ب ج د	ج د ه	د ه و	ه و ز	و ز ح
ن ی س	خ ک ع	ذ ل ف	ض م ص	ظ ن ق	ق س ر	ک ع ش
ف ض و	ب ظ ک	ص ق ل	و ر ط	ذ ش ی	ر ت س	ز ث ع
ز ح ط	ح ط ی	ط ی ک	ی ک ل	ک ل م	ل م ن	م ن س
ل ف ت	م ص ث	ث ا خ	ز ب ذ	ج ح ض	ط د ظ	ا ه غ
و خ م	ث ذ ن	ع ض ق	ی ظ ر	خ غ ف	م ک ص	ه ل ث
ن س ع	س ع ف	ع ف ص	ف ص ق	ص ق ر	ق ر ش	ر ش ت
غ د ا	ر ز ب	ش ح ج	ت ط د	د ی ه	ع ب د	ف ج ز
ظ م خ	ع ن ش	ق س ث	ل ع ظ	ا ف غ	ت ص ز	ج ق ض
ش ث ث	ت ث خ	ز م خ	خ ذ ض	ذ ض ظ	ض ظ غ	ظ غ ا
ص د ح	ی ه ط	ب د ی	ج ر ک	د ح ل	ه ط م	س ی ن

حروف حاصل را باین دستور دورداده آنکاه حرف حاصل را
بجرفی از حروف سطر اساس و نظیره نسبت داده بشرط آنکه هم طبعی
از برای آن حرف منسوب الیه حرفی در چهار حرف صفحه بوده باشد و
دایره طبایع این است که هم طبع بودن آنرا این معلوم میشود

آنکاه ملاحظه نماید که حرف حاصل از منسوب الیه اساس یا نظیره
بجسب جدول چه بُعد دارد و بحسب الجدی نیز بُعد آن چه قدر است
بُعد الجدی از هفت زیاده نباشد و بُعد جد ولی هر قدر باشد این
دو بُعد را با هم جمع نماید و در دایره النسخ که دایره ایست معروف و بیانش
میشود از حرف حاصل بشمارد حرف منتهی الیه را ضبط داشته باشد
که باید از قوای آن باشد و امتحان بر آن جاری شود —

و امتحان آن ایست که بُعد حرف صفحه هم طبع منسوب الیه را در حرف حاصل
و منسوب الیه ملاحظه کند و آن بُعد را بر دو بعد بنویسند یا کم کنند و در
النسخ بشمارد و اگر نهان حرف برسد بردارد و الا عمل را استیناف نماید
و صورت و ضوح این عمل آنست که حرف حاصل را بر داشته حرف
مطلوب آنرا در اساس یا نظیره پیدا کند که آن مطلوب حرف منسوب
الیاست بشرط آنکه هم طبع از برای آن در صفحه باشد و اگر حرف مطلوب
در اساس و نظیره پیدا نشود یا آنکه پیدا بشود اما در حرف صفحه هم طبع
نداشته باشد مطلوب مطلوب حرف حاصل را در سطر اساس یا نظیره
پیدا کند که هم طبع در صفحه داشته باشد

اگر حرف مطلوب مطلوب در سطر اساس یا نظیره پیدا نشود یا آنکه
پیدا شود اما هم طبع در صفحه نداشته باشد مطلوب مطلوب مطلوب
حرف حاصل را در سطر اساس یا نظیره پیدا کند که هم طبع در صفحه

داشته باشد - اگر پید انشود یا هم طبع نداشته باشد در صفحه قرین
 حرف حاصل داد در اساس و نظیر یا شرط هم طبع داشتن در صفحه پید کند
 اگر پید انشود یا هم طبع نداشته باشد قرین مطلوب داد در اساس و نظیر
 پید کند که هم طبع در صفحه داشته باشد -
 و اگر در اساس و نظیر پید انشود یا هم طبع نداشته باشد قرین مطلوب
 مطلوب داد در سطر اساس یا نظیر پید کند که هم طبع در صفحه داشته باشد
 و اگر این حرف نیز در سطر اساس و نظیر پید انشود یا آنکه پید
 شود و هم طبع نداشته باشد طالب حرف حاصل داد در سطر اساس
 و نظیر پید کند که هم طبع در صفحه داشته باشد -
 اگر پید انشود یا بشود و هم طبع نداشته باشد طالب طالب حرف
 حاصل داد در سطر اساس و نظیر پید کند که هم طبع در صفحه داشته
 باشد - - اگر پید انشود یا بشود و هم طبع نداشته باشد در صفحه
 طالب طالب حرف حاصل داد در سطر اساس و نظیر پید کند که هم طبع در صفحه
 داشته باشد اگر پید انشود یا آنکه پید انشود و هم طبع در صفحه داشته باشد
 قرین حرف حاصل داد از جنب راست که مقدم است در سطر اساس و نظیر
 پید کند که هم طبع در صفحه داشته باشد - اگر پید انشود یا بشود و هم طبع
 نداشته باشد قرین طالب داد در سطر اساس و نظیر پید کند که هم طبع
 داشته باشد و اگر پید انشود یا بشود و هم طبع در صفحه نداشته باشد

قرین طالب طالب داد در سطر اساس و نظیر پید کند که هم طبع
 در صفحه داشته باشد
 اگر پید انشود یا بشود و هم طبع نداشته باشد در صفحه طالب طالب
 طالب حرف حاصل داد در سطر اساس و نظیر پید کند که هم طبع
 در صفحه داشته باشد اگر پید انشود یا آنکه پید انشود و هم طبع
 در صفحه نداشته باشد با شد قرین حرف حاصل داد از جنب راست
 که مقدم است در سطر اساس و نظیر پید کند که هم طبع در صفحه
 داشته باشد قرین طالب طالب داد در سطر اساس و نظیر پید
 کند که هم طبع در صفحه داشته باشد - اگر پید انشود یا بشود
 و هم طبع در صفحه نداشته باشد قرین طالب طالب طالب طالب
 در سطر اساس و نظیر پید کند اگر پید انشود بطریقیکه ذکر شد
 بنظر اینها عمل کند و اگر نشود عمل بنفس حرف نماید
 بدانکه بعد مطلوب از حرف دو است و مطلوب مطلوب چهار
 و مطلوب مطلوب مطلوب شش است و قرین خود حرف یک
 و قرین مطلوب سه و قرین مطلوب مطلوب پنج و قرین مطلوب
 مطلوب مطلوب هفت بعد دارد و هکذا برخلاف توالی در المجد

طالب نیز از حرف دو و بعد دارد و طالب طالب چهار بعد و طالب
 طالب طالب شش بعد دارد و قرین خود حرف یک و قرین طالب سه
 و قرین طالب طالب پنج و قرین طالب طالب طالب هفت بعد دارد -
 اینست اشارده که بعد ابجدی از هفت نباید تجاوز بکند مطلوب بر
 توالی و طالب بر خلاف توالی هر حرفی از حروف ابجدیه حرف بعد
 او قرین اوست و حرف بعد قرین او مطلوب اوست و هکذا بر توالی
 الی آخره مطلوب و قرین مطلوب اوست تا هفت حرف و کذا
 بر خلاف توالی حرف متصل بحرف قرین اوست و حرف متصل بقرین او
 طالب اوست بر خلاف توالی الی هفت حرف که قرین و طالب او نیند
 و از دایره اجهریه معلومست کل حرف و مطلوب او و سطر مطلوب
 او و طالب و قرین هر یک از آن و طالب او و طالب طالب او و قرین هر
 یک از اینها طالب و مطلوب و قرین است که از دایره جلیله اجهریه
 معلوم میشود؛ دو سطر بالا قرینه دو سطر پائین.

س ف ق ش ث ذ ظ	ا ج ه ز ط ک م
ع ص ر ت ح ض خ	ب د و ح ی ل ن

و دو سطر پائین قرین دو سطر بالا است و هر سطر دو حرف همجاری

هم طالب و مطلوب همد گیرند، و آخر دو سطر با اول دو سطر طالب
 و مطلوبند - مثلاً حرف ن مطلوبش حرف ط است و مطلوب
 مطلوبش ک و مطلوب مطلوب مطلوبش م است و طالبش ه و طالب
 طالبش ج و طالب طالب طالب طالبش الف است قرین مطلوبش ی و قرین
 مطالب مطلوبش ل و قرین مطلوب مطلوب مطلوبش ن است قرین
 طالبش د - و قرین طالب طالبش د و قرین طالب طالب طالبش ب است
 و قرین خودش ح است -

محض واضح شدن مثال و فهم مبتدی طالب و مطلوب حروف و
 قرین آنها ذکر شد و موقعیکه این طور عمل میکنیم بنیم در ابجد حرفی
 تا هفت حرف جلو و هفت حرف عقب خود طالب و مطلوب و قرین طالب
 و قرین مطلوب دارد علت اینکه بعد ابجدی از هفت زیاد نباشد که در
 اول ذکر شد. این است -

پس از آنکه طالب و مطلوب را فهمیدی قاعده عمل نمودن چنانست که
 حرف مطلوب حرف حاصل را در سطر اساس و نظیره پیدا کن که حرف
 حاصل بآن نسبت داده شود بشرط آنکه هم طبع از برای آن در حروف
 اربعه صفحه بوده باشد و حروف اربعه صفحه چهار حرفی است که از ابجد پنج
 وساعت و طالع وقت و تقال از کلام الله بدست آمد آنگاه بعد جدولی
 حرف منسوب الیها حرف معادلی حرف حاصل و بعد ابجدی حرف
 منسوب الیها حرف حاصل ملاحظه کند این دو بعد را جمع کند

و در دایره انسخ منقسم بر کوکب سبعة سیاره از حرف حاصل
 شماره کند بر توالی یا بخلاف توالی منتهی الیه را اگر از حروف دور
 کبیر حرف حاصل است قوای آن خواهد بود آن حرف و نشان
 کند و امتحان بر آن جاری کند —
 و طریقه امتحان آنست که بعد حرف حاصل از حرف صفحه هم طبع
 حرف منسوب الیه سطر اساس و نظیره را ملحوظ بدارد و بود و بعدی
 که از حرف منسوب الیه حرف حاصل بحسب جدول و ابجد حاصل شده
 بفرزاید و شماره در دایره انسخ نماید بر توالی یا بخلاف توالی اگر حرف
 منتهی الیه همان حرف نشان کرده است بردارد که همان مستحصله است
 و الا بعد حرف صفحه را از بعدین ملاحظه کند و اقل را از اکثر طرح
 کند و شماره نماید در دایره انسخ بر توالی یا بخلاف توالی —
 اگر منتهی الیه همان حرف نشان کرده است بردارد همان مستحصله است
 و الا بعد حرف صفحه را با حرف منسوب الیه سطر اساس و نظیره بحسب ابجد
 ملاحظه کند و بر بعدین بفرزاید بحسب سیر در دایره انسخ بر توالی یا
 خلاف توالی شماره کند اگر منتهی الیه حرف نشان کرده اول است بردارد
 و الا این یک بعد را با آن دو بعد ملاحظه کند اقل را از اکثر طرح کند
 و تمه آنرا بود دایره انسخ شماره نماید اگر بهمان حرف رسید فیها و الا

استیناف عمل نماید و مطلوب مطلوب حرف حاصل را در سطر اساس
 یا نظیره پیدا کند بشرط هم طبع بودن با یکی از حروف صفحه پس بعد جدولی
 و ابجدی آن حرف و ابجد کند بدستور مزبور در دایره انسخ از حرف حاصل
 بر توالی یا خلاف آن شماره نماید حرف منتهی الیه اگر از حروف دور بود
 دور کبیر حرف حاصل باشد نشان کند و امتحان را بر آن جاری نماید
 بدستوریکه ذکر شد بعد حرف صفحه را از حرف حاصل ملاحظه کرده
 بود و بعد بفرزاید اگر بهمان حرف در انسخ نرسد بعد حرف صفحه را
 از حرف منسوب الیه بگیرد و بفرزاید اگر برسد فیها و اگر نرسد از دو
 بعد کم کند اگر نرسد طرح کند و تجدید عمل از مطلوب مطلوب
 نماید بدستوری که مرقوم شد عمل کند اگر نشود بقرین هر یک از اینها بهین
 دستور عمل کند اگر نشود تجدید عمل از طالب و طالب طالب و طالب طالب
 طالب و قرین هر یک از اینها یک یک علیحده بقاعده که مرسوم گشت عمل
 کند اگر نشود بنظر اینها هر یک علیحده هفت توالی دست چپ و هفت
 خلاف توالی دست راست عمل نماید اگر نشود عمل بنفس حرف بکنند
 و ضابطه این عمل آنست که باید حرف منتهی الیه از حروف دور را از
 حرف دور حرف حاصل که قوای آنست باشد و امتحان مذکور بر آن
 جاری میشود و بعضی عمل بر اساس دور نظیره را اقوی دانسته اند
 و دایره انسخ منقسم بر کوکب سیاره این است صفحه مقابل

ا	ب	ج	د	ه	و	ز
ن	ی	ل	ک	ی	ط	ح
س	ع	ف	ص	ق	ر	ش
غ	ظ	صین	ذ	ح	ث	ت

و بسا میشود از حروف دو بعدند داشته باشند یک بعد از برای آن باشد مثل آنکه مطلوب یا طالب یا قریب هر یک معاذی حرف حاصل در اساس یا نظیر اتفاق افتد که بعد جدولی را فاقد باشد عمل بر همان بعد و احد که عمل بعدین خواهد بود یا عمل بنفس حرف در وقت لزوم شود

بعد واحد هیچ امتحان بر آن جاری نمیگردد و عمل بر آن میشود بدقت ملاحظه کرده که غلط و سهو در عمل نشود - اما دایره اطمینانی که هر هفت حرف آن منسوب یکی از عناصر اربعه است با تعیین عناصر این است که در این جدول نوشته شد

م	ن	س	ع
ف	ص	ق	ر
ش	ت	ث	ح
ذ	ظ	صین	غ

سطر چهارم - پس از آنکه سطر مستحصله را بدقت نمیدی و مرسوم نمودی آن سطر را نظیر اجمالی بگیر و سطر چهارم را بنویس پس از آن سطر چهارم را یکدفعه صدر و مؤخر کن سطر پانزدهم را بنویس آنوقت جواب کافی و

و شافی پرون آمده است - و طریق صدر و مؤخر کردن آنست که یک حرف از آخر سطر چهارم در اول سطر پانزدهم بنویس و یک حرف از اول سطر چهارم در دوم سطر پانزدهم بنویس همینطور بیک حرف از آخر و یک حرف از اول تا سطر تمام شود حرزهاست سطر پانزدهم را ترکیب کن جواب کافی و شافی پرون میآید

و بدانکه عمل بقوای قوا در صورت رسیدن به بعضی مراتب درک بموجب آن میشود که بسیاری از اعلام این فن بجهت تعجیل در استخراج بآن عمل بعد از ادراک آن کرده اند تسلط لازم دارد و اصلح در عمل آنست بهیچوجه قوی یا قوای قوا ملاحظه نشود و عمل بهمان بشود و امتحان شود و ما سؤال را از اول الی آخر در زیر صفحه و صفحه مقابل مینویسیم

سهال هزار و دولیت و هشتاد و دو - شب پانزدهم سیم ماه شعبان
 عدد تمام حروف حرفش ساعت ۵ طالع سنبله حرفش
 ف حرفش ۱۴۷ ل
 ۲۲۹۴ عددش حرفش صفحہ حروف اربعه عددش حرف حاصل
 دج دج ۱۳ ن فخر ن ۲۱ ش
 سؤال امام زمان کیت مدخل کبیر مدخل وسیط مجموعی
 مدخل وسیط کبیر ۶۷ ح ع
 مدخل وسیط صغیر ۴۰ م
 ۶۷ زس ۴ د

دایره دوازده مختلفه

دایره اربعه اربعه اربعه مشهور عرضاً اربعه				دایره اربعه اربعه اربعه طیلاً			
ا	ی	ق	خ	ا	ک	د	خ
ب	ه	ن	ن	ی	ر	س	ن
و	ث	د	م	ق	ج	ن	د
ح	ل	ش	و	ف	س	ل	ح
س	ح	ف	ن	ف	ن	س	ط
ع	ز	ع	ذ	س	ن	ث	ع
ض	ط	ص	ظ	ب	ع	و	ظ

دایره اربعه عرضاً

دایره اربعه عرضاً

ا	ی	ق	خ	ا	ک	د	خ
ب	ه	ن	ن	ی	ر	س	ن
و	ث	د	م	ق	ج	ن	د
ح	ل	ش	و	ف	س	ل	ح
س	ح	ف	ن	ف	ن	س	ط
ع	ز	ع	ذ	س	ن	ث	ع
ض	ط	ص	ظ	ب	ع	و	ظ

دایره اربعه اربعه اربعه
طیلاً

ا	ی	ق	خ	ا	ک	د	خ
ب	ه	ن	ن	ی	ر	س	ن
و	ث	د	م	ق	ج	ن	د
ح	ل	ش	و	ف	س	ل	ح
س	ح	ف	ن	ف	ن	س	ط
ع	ز	ع	ذ	س	ن	ث	ع
ض	ط	ص	ظ	ب	ع	و	ظ

نارینه اربعه اربعه اربعه
حروف حروف حروف
تاریخ حروف حروف

تاریخ حروف حروف
تاریخ حروف حروف
تاریخ حروف حروف

ا	ی	ق	خ	ا	ک	د	خ
ب	ه	ن	ن	ی	ر	س	ن
و	ث	د	م	ق	ج	ن	د
ح	ل	ش	و	ف	س	ل	ح
س	ح	ف	ن	ف	ن	س	ط
ع	ز	ع	ذ	س	ن	ث	ع
ض	ط	ص	ظ	ب	ع	و	ظ

قاعده جفریه

باید حروف را چهار مرتبه بقاعده ترفع و ترقی و تنزل و مساوات جدا نموده و بلا مرتبه کرده یعنی حرف را تمام آحاد حساب کند و اگر از حروف ترقی و ترفع است آنرا زیاد کند که بهم درجه خود رسد و اگر از حروف تنزل است آنرا کم کند و اگر از حروف مساوات است و نه است یک بر آن افزاید و ضعف او را گرفته پنج بنویسد ناطق میشود و بعضی گفته اند که هر گاه الف در اول باشد الف نوشته میشود اگر در مرتبه دوم است (ب) نوشته میشود در سوم جیم و هکذا سایر حروف آنرا بقاعده ترقی مینماید تا

بمطلوبش برسد

باید سوال را محرز ساری و سد اخل تلاته او را گرفته داخل تمام نمائی و بسط عددی کرده باز داخل تلاته گرفته خلاصه نموده تکثیر کنی و از سطور تکثیر سطور خانه مطلوب بگیری و حروف مکتوبی و سروری و ملفوظی جدا سازی پس مزاج دهی و غریزه نموده اگر ندعی یافتی و الا تکثیر نموده جواب در یابی

جهت احصار متخس و خلاصی زندانی خواند شود بدین طریق (خواجه خضر صاحب سلطان پر مشکل آسان پر دل که صفا کرد دشمن کور بر بحق لا اله الا الله - اول چوبی را نصب زمین کرده بطوریکه حرکت نکند و سید عدد سیخ آهنی آورده (منتر) یعنی همان کلمات خواجه خضر را بهر یک آن مینماید مرتبه خوانده بر سر همان چوب بگوید آنوقت آن چوب را در آورده و در محل خواب دفن کند - اسم... مطلب بر آورده است منقول است عمل مرحوم آقای سید احمد آقا قاضی طباطبائی است رحمة الله علیه (ختم یا علی) برای مطلب عسر الحصول دو انزده هزار رکعت یا علی (دفع دشمن) از حضرت ثامن الائمه علیه السلام نه شب هر شب هزار مرتبه (القادر) بگوید دشمن هلاک شود یا آورده گردد بجهت هلاک دشمن دو انزده زور هر روز و زرد انزده مرتبه سوره الحاقه بخواند چون بر آید خذوه فقلوه ثم اجمهم صلوه رسید ۴ مرتبه تکرار کند (برای هلاک دشمن) در یک مجلس هفتاد بار بخواند مجرب است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ - اَللّٰهُمَّ شَتِّتْ سَمَلَنَہُمْ وَخَرِّقْ جَعْفَمَہُمْ وَتَلَبَّ تَذِیْرَهُمْ وَخَرِّبْ بَنِيَانَهُمْ وَبَدِّلْ اَحْوَالَهُمْ وَقَرِّبْ اَجَالَہُمْ وَخَطِّعْ اَعْمَارَهُمْ

وَاشْغَلْنَهُمْ بِأَبْدَانِهِمْ وَخَذَهُمْ أَخْذَ حَبْرِ بْنِ مَسْعُودٍ يَا قَهَّارُ يَا قَهَّارُ
 يَا جَبَّارُ يَا جَبَّارُ (در خواب دیدن مراد روایت شده از علی ابن
 ابی طالب علیه السلام فرمود هر کس اراده نماید مراد خود را در خواب
 ببیند شش رکعت نماز بخواند قبل از خواب در رکعت اول فاتحه و تسبیح
 و تحمید ۷ مرتبه در رکعت دوم بعد از فاتحه و التلیل اذ الیغیثی ۷ مرتبه و در
 رکعت سوم بعد از فاتحه ۷ مرتبه و الضحی و در رکعت چهارم بعد از فاتحه
 ۷ مرتبه سوره الم نشرح و در رکعت پنجم بعد از فاتحه ۷ مرتبه و التین و در
 رکعت ششم بعد از فاتحه ۷ مرتبه آنا الزلزاله فی لیل القدر و بعد از فراغ
 حمد و ثناء خداوند تبارک و تعالی بجا آورد و بخواند اللهم صل علی محمد
 و آل محمد اللهم رب محمد و رب ابراهیم و موسی و عیسی و اسحق و یعقوب
 و رب خیریل و میکائیل و اسرافیل و قزائیل و تنزیل التوریه و الانجیل
 و الزبور و الفرقان العظیم اربی فی منامی اللیلة ما انت اعلم به منی
 اگر در شب اول دیدن در خواب کرد تا سه شب ادامه دهد آن را خواهد دید
 (در تفسیر ارواح) هفت روز و نه روز بگذرد و آخر روز به چهارشنبه بقیصد و هر روز
 غسل نماید و لباس پاکیزه در بر نماید و در خلوت دور خود را حفظ بکشد و این
 ذکر را هزار و پنجاه بکره بخواند و بشرط جود غیر بخورد نماید در روز آخر هفت نفر
 ارواح حاضر نماید و فرسود و شرط هم از معاصی اجتناب و رزق تا از باطن قوچه
 شود اینست (کلمه) يَا زَاكِي الطَّاهِرِينَ مِنْ كُلِّ آفَةٍ بِقُدْرَتِهِ (حرره محمد عطار)

(لهذا النسخة صغر نسرت آدم صفی الله)

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على خير خلقه محمد وآله الطاهرين
 اما بعد هذا الكتاب سر الله الاعظم وهو سر الرباني الذي في عالم
 الجسماني علم الله تعالى خليفة آدم عليه السلام اعلم يا بني آدم ان الله
 خلق الاشياء وخلق اسرارها وبتصرف فيها ثم قال عز وجل المخلوقات
 تحت خواص حفظ هذه الاسماء وذلك ان جميع ما في السموات وما في
 الارض وما بينهما داخل فيها لا يقدر شيئا يخرج عن هذه فلما كانت
 ارادة الله تعالى في ذلك جعل لها خواصا واسراراً وطبايع اودعها
 اسرارها فيها كذلك ما في الموجودات ثم بين ذلك جميعاً لادم عليه السلام
 و اراد ان يثبت لادم حجة على الملائكة و يعلمهم بان ادم عليه السلام
 احق بالمخلوقه منهم فقد ظهر كرامته مما قد ذكرته منهم (فقال) يا ادم
 انبئهم باسمائهم فلما انبئهم باسمائهم قال (الم اقل لكم اني اعلم غيب
 السموات والارض واعلم ما تبدون وما تكتمون فدل هذه الاية على
 ان الله عز وجل علم اسرار المخلوقات و طبائعها وما يتصرف فيها و
 ثبت العبر عن مسائل التي سئل عنهم منها تسعة سألهم عنها و عن علمها
 لادم عليه السلام و اعلمهم بفضل ادم في العلم الذي اودعه فيه